■ یک‌شنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۹ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۹ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

۱

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در پیامی درگذشت نویسنده متعهد و خوش‌قریحه آقای «رضا امیرخانی» را تسلیت گفتند

۲

«دکتر مرتضی عزتی» اقتصاددان در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

سیاست ارزی دولت باید سریعاً تغییر کند

- حتی در شرایط فعلی نیز باید با مداخله فعال در بازار، نرخ ارز را به سمت کاهش هدایت کرد
- دولت باید از افزایش ناگهانی قیمت بنزین، ارز و سایر کالاهای یارانه‌ای خودداری کند
- افزایش قیمت‌ها باید تنها در شرایط مساعد اقتصادی و به‌صورت تدریجی انجام شود
- دولت باید جلوی افزایش غیرمتعارف قیمت کالاها و خدمات را بگیرد
- حمایت از معیشت مردم باید با کنترل عوامل اصلی گرانی همراه باشد
- دولت باید از افزایش مستمر و عامدانه نرخ ارز جلوگیری کند

یادداشت

دفاع از عملکرد اشتغالزایی دولت شهید رئیسی



محمود کریمی بیرانوند

معاون اشتغال وزارت کار دولت سیزدهم

اظهارات اخیر دکتر فرشاد مؤمنی درباره منابع ۲۶۰ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی شده برای اشتغال در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و طرح آن در قالب یک فساد چند میلیارد دلاری، بیش از آنکه عملکرد دولت سیزدهم را در معرض پرسش قرار دهد، مبانی کارشناسی و اعتبار علمی این ادعا را با پرسش‌های جدی مواجه می‌سازد. انتظار از اقتصاددانی با چندین دهه سابقه تدریس و پژوهش، ارائه تحلیلی مبتنی بر واقعیات اقتصادی، سازوکارهای بودجه‌ریزی و مستندات معتبر است، نه ارائه روایتی که مرز میان نقد اقتصادی و اتهام‌زنی سیاسی را مخدوش کند. در نظام بودجه‌ریزی کشور، میان پیش‌بینی منابع در قانون بودجه، تحقق منابع، تخصیص اعتبارات، پرداخت و هزینه کرد آن‌ها تفاوتی اساسی وجود دارد. اساساً در تمامی قوانین بودجه سنواتی، بخشی از منابع پیش‌بینی‌شده محقق نمی‌شود و متناسب با میزان تحقق منابع و سایر ملاحظات اجرایی، بخشی از اعتبارات نیز تخصیص نمی‌یابد. این مسئله نه مختص دولت سیزدهم بوده و نه پدیده‌ای ناشناخته در نظام مالیه عمومی کشور است. آنچه می‌تواند محل بررسی از منظر انحراف مالی باشد، تخصیص و پرداخت منابع و سپس مصرف آن در محلی غیر از محل تعیین‌شده در قانون است، نه صرفاً عدم تخصیص منابع مصوب.

بعید است اقتصاددان کهنه‌کاری همچون دکتر مؤمنی از چنین تمایز ابتدایی و بنیادینی بی اطلاع باشد؛ بنابراین جای تأمل دارد که ایشان چگونه از عدم تحقق احتمالی یک حکم بودجه‌ای به ادعای وقوع فساد رسیده و حتی برای انعکاس ابعاد آن، زحمت تبدیل ارقام ریالی به دلار را نیز به خود داده‌اند! کاش پیش از محاسبه معادل دلاری فساد ادعایی، اندکی نیز برای بررسی ماهیت منابع مورد بحث وقت صرف می‌کردند.

صرفاً به موجب بند «ب» تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱، مبلغ ۱۰۲ هزار میلیارد تومان از منابع اشتغال‌زایی، ماهیت تسهیلات تکلیفی قرض‌الحسنه شبکه بانکی داشته است. این منابع اساساً اعتباری نبود که از خزانه به دستگاه‌های اجرایی پرداخت شده و سپس سرنوشت آن نامعلوم مانده باشد. عدم پرداخت احتمالی بخشی از تسهیلات توسط بانک‌ها، هرچند قابل نقد و پیگیری نظارتی است، به معنای دریافت منابع توسط دولت و هزینه کردآن در محلی دیگر نیست. از سوی دیگر، تاکنون مستندی از دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور یا مراجع قضایی دال بر وقوع فساد ادعایی به این میزان ارائه نشده است. **ادامه در صفحه ۲**

پیام رهبر معظم انقلاب

به گزارش ایرنا، حضرت آیت‌الله سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظّم انقلاب در پیامی درگذشت نویسندهٔ متعهّد و خوش قریحه آقای «رضا امیرخانی» را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر معظّم انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

خبر تأسّف‌انگیز وفات جناب آقای رضا امیرخانی واصل شد. این نویسندهٔ متعهّد و خوش‌قریحه با تحقیق عمیق و خلاقیّت ادبی، آثاری ماندگار به جا گذاشته است.

اینجانب فقدان آن مرحوم را به خانوادهٔ محترم، بستگان، و دوستداران وی به‌خصوص برادر عزیز جناب آقای چینی فروشان تسلیت گفته و رحمت واسعه و مغفرت الهی را برای او مسئلت می کنم.

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۷ آذر ۱۴۰۵



حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای:

آمریکایی‌ها خواب حضور و جولان در خلیج فارس را هم نخواهند دید



حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه به مناسبت روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی نوشت: هفتم آذر، روز بزرگداشت نگاهبانان سلحشور و دریادل خلیج فارس و تنگه هرمز را گرامی می داریم. نیروی دریایی ارتش، حقیقتاً از عناصر و مؤلفه‌های اقتدار ایران اسلامی است.

این نیروی الهی و ولایتمدار، مأمور صیانت از اقتدار دریایی و میراث‌دار خون پاک شهدای ناوهای دنا، جوشن، سهند و سبلان است. دریادلان ارتشی ما هم‌قدم و هم‌نفس با برادران سپاهی شان در برابر غرش توپ‌های متجاوزان مستکبر، ایستادند و شروجود نحس آمریکا را از خلیج فارس کم کردند. آمریکایی‌ها دیگر خواب حضور و جولان در خلیج فارس را هم نخواهند دید؛ چرا که شاخاب پارسی، تحت کنترل سلحشوران ولایتمدار ارتشی و سپاهی ایران اسلامی است.

نیروی دریایی ارتش، امروز از شرق تنگه هرمز تا شمال اقیانوس هند را تحت سیطره دارد و پنجه در پنجه‌ی آمریکایی‌ها نهاده است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۹

دفاع از عملکرد اشتغالزایی دولت شهید رئیسی

ادامه مطلب از صفحه اول، اطلاعات دریافت کنندگان تسهیلات در شبکه بانکی و اطلاعات فرصت‌های شغلی ثبت‌شده در سامانه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز براساس مشخصات هویتی و کد ملی افراد قابلیت رهگیری و راستی‌آزمایی دارد. طرح چنین اتهام سنگینی بدون ارائه مستندات معتبر، چیزی جز تبدیل یک منازعه سیاست‌گذاری به یک اتهام مالی و کیفری نیست.

اتفاقاً یکی از وجوه تمایز دولت مردمی سیزدهم با دولت‌های پیشین، اهتمام ویژه به تأمین مالی اشتغال، پیگیری تحقق احکام بودجه‌ای و ارتقای کیفیت نظارت بر مصرف منابع بود. پرداخت بیش از ۲۱۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات اشتغال‌زایی در دوران کوتاه فعالیت این دولت و افزایش هفت برابری منابع قرض‌الحسنه و چهار برابری پرداخت تسهیلات در حوزه مشاغل خانگی، بیانگر ابعاد کمی این اهتمام است. مقایسه منصفانه عملکرد دولت‌ها مستلزم بررسی نسبت منابع محقق‌شده به احکام بودجه‌ای، حجم تسهیلات پرداختی و کیفیت نظارت بر اثربخشی آن‌هاست؛ معیارهایی که دستاوردهای دولت شهید رئیسی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. با این حال، مهم‌ترین دستاورد دولت سیزدهم در حوزه اشتغال، صرفاً افزایش حجم منابع مالی نبود، بلکه تحول در نظام حکمرانی اشتغال کشور بود. دولت شهید رئیسی برخلاف رویکردهای خطی و ساده‌انگارانه گذشته که مسئله اشتغال را به پرداخت تسهیلات بانکی تقلیل می‌داد، با طراحی و ابلاغ زیست‌بوم ملی اشتغال، مجموعه عوامل مؤثر بر تولید، کارآفرینی و اشتغال پایدار را در قالب یک نظام سیاست‌گذاری منسجم سامان داد.

تأمین مالی، تأمین بازار، زیرساخت، فناوری و حمایت حقوقی در کنار شناسایی، آموزش، مشاوره، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، به عنوان محورهای ده‌گانه این زیست‌بوم مبنای سیاست‌گذاری قرار گرفت. احیای جایگاه شورای عالی اشتغال با اهتمام شخص رئیس جمهور شهید، برگزاری هشت جلسه شورا، تصویب ۸۰ مصوبه، تعیین تعهد اشتغال برای دستگاه‌های اجرایی و استان‌ها و پیگیری مستمر عملکرد آن‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک تقسیم کار ملی در حوزه اشتغال شد. در حوزه نظارت نیز دولت سیزدهم به گزارش‌های دستگاه‌های اجرایی اکتفا نکرد و با فعال‌سازی سامانه ملی رصد اشتغال، راه‌اندازی سامانه جامع تسهیلات اشتغال و استقرار نظام نظارتی سه‌گانه پیامکی، تلفنی و میدانی، فرآیند سخت‌گیرانه‌ای برای صحت‌سنجی اشتغال ایجادشده مستقر ساخت. ارسال بیش از یک میلیون پیامک نظارتی، انجام ۷۳۵ هزار تماس تلفنی نظارتی موفق و بازدید میدانی از بیش از ۱۸۰ هزار طرح اشتغال‌زایی، گواه تفاوت کیفی این رویکرد با رویه‌های پیشین است.

حاصل این تحولات، صرفاً مجموعه‌ای از گزارش‌های عملکرد دستگاه‌های اجرایی نبود؛ آثار آن در شاخص‌های رسمی بازار کار کشور نیز نمایان شد. کاهش نرخ بیکاری به ۸.۱ درصد در سال ۱۴۰۲ و ۷.۷ درصد در بهار ۱۴۰۳، کاهش نرخ اشتغال ناقص از ۱۰.۲ به ۸.۲ درصد، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۰.۹ به ۴۱.۳ درصد و ثبت میانگین سالانه ۳۵۶ هزار نفر اشتغال خالص، بخشی از کارنامه دولت مردمی سیزدهم است. البته شایسته است دکتر مؤمنی با همین حساسیت و صراحت، عملکرد دولتی را نیز بررسی کنند که خود، مردم را به رأی دادن به آن دعوت کردند؛ دولتی که در دوره فعالیت آن، نرخ بیکاری پس از ورود به کانال ۷ درصد در آخرین فصل دولت سیزدهم، مجدداً به کانال ۹ درصد بازگشته و در بهار ۱۴۰۵ به ۹.۱ درصد رسیده است. نقد عملکرد دولت‌ها نه تنها مذموم نیست، بلکه از وظایف جامعه علمی کشور است؛ اما اعتبار اجتماعی اقتصاددانان، سرمایه‌ای است که نباید در منازعات سیاسی هزینه شود. انتظار از دکتر مؤمنی آن است که در نقد دولت شهید رئیسی و ارزیابی دولت مورد حمایت خود، به معیارهای علمی یکسانی پایبند باشند؛ چراکه مبارزه با فساد نیز از مسیر امانت‌داری در بیان واقعیت‌ها می‌گذرد، نه از مسیر ساختن ارقام چند میلیارد دلاری از محل احکام بودجه‌ای.

اروپا برای خسارت جنگ با ایران زیر خرج رفت

کمیسیون اروپا در واکنش به تداوم پیامدهای اقتصادی جنگ با ایران و افزایش هزینه‌های انرژی، حمایت مالی از شرکت‌های آسیب‌دیده ۶۱ ماه دیگر تمدید کرد. کمیسیون اروپا اعلام کرد چارچوب موقت کمک‌های دولتی برای مقابله با پیامدهای بحران خاورمیانه را ۶ ماه دیگر تمدید می‌کند. براین اساس، کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۷ به شرکت‌هایی که از افزایش قیمت انرژی ناشی از جنگ با ایران آسیب دیده‌اند، کمک مالی ارائه دهند. کمیسیون اروپا در بیانیه‌ای اعلام کرد نوسانات قیمت سوخت، کودهای شیمیایی و برق همچنان فشار زیادی بر شرکت‌های اروپایی، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی، شیلات، آبزی‌پروری، حمل‌ونقل و صنایع پرمصرف انرژی وارد می‌کند. براساس آمار اتحادیه اروپا، هزینه‌های اضافی تحمیل‌شده به شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان اروپایی بر اثر افزایش قیمت انرژی از زمان آغاز جنگ با ایران در اواخر فوریه، از ۱۰۰ میلیارد یورو، معادل ۱۰۹.۸ میلیارد دلار، فراتر رفته است. رقمی که معادل بیش از نصف کل بودجه سالانه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۶ است. به بیان دیگر، افزایش هزینه‌های انرژی در نتیجه این بحران، ظرف چند ماه باری معادل بیش از ۵۰ درصد بودجه یک سال اتحادیه اروپا بر اقتصاد این منطقه تحمیل کرده است.»

تمدید کمک‌ها تا نیمه سال ۲۰۲۷

مهلت اجرای این چارچوب قرار بود ۳۱ دسامبر ۲۰۲۶ به پایان برسد، اما کمیسیون اروپا پس از مشورت با کشورهای عضو و دریافت حمایت گسترده از ادامه کمک‌ها، تصمیم به تمدید آن گرفت. براساس تصمیم جدید، دولت‌های اروپایی می‌توانند از ابتدای ژانویه تا پایان ژوئن ۲۰۲۷، تا سقف ۵۰ هزار یورو (۵۴.۹ هزار دلار) به هر شرکت یاذی نفع کمک کنند. شرکت‌هایی که در سال ۲۰۲۶ نیز از این حمایت‌ها استفاده کرده‌اند، همچنان مشمول دریافت کمک خواهند بود.

کشاورزی، حمل‌ونقل و صنایع انرژی‌بر در اولویت

براساس چارچوب جدید، دولت‌ها می‌توانند تا ۷۰ درصد هزینه‌های اضافی ناشی از افزایش قیمت سوخت و کودهای شیمیایی را در بخش‌های کشاورزی، شیلات و حمل‌ونقل جبران کنند. این حمایت شامل حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، آبراه‌های داخلی و کشتیرانی کوتاه‌برد در اتحادیه اروپا نیز می‌شود.

همچنین در سازوکار ساده‌شده، پرداخت کمک تا سقف ۵۰ هزار یورو براساس نوع و حجم فعالیت شرکت و برآورد مصرف سوخت انجام می‌شود و نیازی به ارائه مدارک دقیق درباره میزان مصرف واقعی نیست. در صنایع پرمصرف انرژی نیز سهم کمک دولتی از هزینه برق واجد شرایط از ۵۰ به ۷۰ درصد افزایش یافته است. این حمایت می‌تواند حداکثر ۵۰ درصد کل مصرف برق شرکت را پوشش دهد. این صنایع برای دریافت کمک ملزم به اجرای اقدامات اضافی برای کاهش انتشار کربن نیستند و امکان استفاده هم‌زمان از برخی برنامه‌های حمایتی را نیز دارند. دولت‌های عضو باید برنامه‌های حمایتی خود را برای دریافت تأیید سریع به کمیسیون اروپا ارائه کنند.

هزینه ۳.۷ میلیارد یورویی حمایت از شرکت‌ها

کمیسیون اروپا در ۲۹ آوریل ۲۰۲۶ (چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵) چارچوب موقت کمک‌های دولتی برای مقابله با بحران خاورمیانه را تصویب کرد.

از آن زمان، با ۳۶ برنامه حمایتی ارائه‌شده از سوی ۱۴ کشور عضو موافقت کرده و ۱۱ اصلاحیه در برنامه‌های قبلی را نیز پذیرفته است. بودجه تخمینی این اقدامات از ۳.۷ میلیارد یورو، معادل ۴.۰۶ میلیارد دلار، فراتر رفته است؛ رقمی که معادل حدود ۲ درصد کل بودجه سالانه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۶ است.

شورای اروپا نیز در نشست ۱۵ و ۱۶ اکتبر بر ضرورت مقابله هماهنگ با افزایش قیمت انرژی و اجرای اقدامات موقت برای حفظ رقابت در بازار مشترک تأکید کرده بود. کمک‌های دولتی در اتحادیه اروپا معمولاً با محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای روبه‌رو هستند تا از ایجاد رقابت ناعادلانه میان شرکت‌ها جلوگیری شود؛ با این حال، شدت بحران انرژی باعث انعطاف بیشتر بروکسل در این مقررات شده است. ترزا ریبرا، معاون رئیس کمیسیون اروپا، با اشاره به ادامه تأثیر بحران خاورمیانه بر بخش‌های آسیب‌پذیر اقتصاد این قاره، بر ضرورت تداوم حمایت موقت از شرکت‌های آسیب‌دیده تأکید کرد. وی گفت کمک‌های دولتی می‌توانند به عبور از بحران فعلی کمک کنند، اما راهکار بلندمدت، حرکت به سمت اقتصاد پاک و کاهش وابستگی به واردات سوخت‌های فسیلی با قیمت‌های نوسانی است. تمدید این بسته حمایتی در حالی انجام می‌شود که برخی کشورهای اروپایی از جنگ علیه ایران حمایت کرده بودند، اما اکنون خود با افزایش هزینه‌های انرژی و فشار بر صنایع و مصرف‌کنندگان مواجه‌اند.



دکتر مرتضی عزتی اقتصاددان در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

سیاست ارزی دولت باید سریعا تغییر کند

■ دولت باید از افزایش مستمر و عامدانه نرخ ارز جلوگیری کند ■ دولت می‌تواند برای یک دوره مشخص، مثلاً ۶ ماه تا یک سال، اعلام کند که اجازه افزایش نرخ ارز را نمی‌دهد ■ حتی در شرایط فعلی نیز باید با مداخله فعال در بازار، نرخ ارز را به سمت کاهش هدایت کرد ■ پس از تثبیت بازار، افزایش سالانه نرخ ارز باید بسیار محدود و متناسب با شرایط اقتصادی باشد ■ دولت باید از افزایش ناگهانی قیمت بنزین، ارز و سایر کالاهای یارانه‌ای خودداری کند ■ افزایش قیمت‌ها باید تنها در شرایط مساعد اقتصادی و به‌صورت تدریجی انجام شود ■ اصلاح قیمت‌ها زمانی امکان‌پذیر است که اقتصاد در مسیر رشد قرار داشته باشد و مردم از وضعیت معیشتی نسبتاً مناسبی برخوردار باشند ■ دولت باید جلوی افزایش غیرمتعارف قیمت کالاها و خدمات را بگیرد ■ تأمین نیازهای اساسی مردم از طریق تولید داخلی و میزان محدودی واردات امکان‌پذیر است

گفت‌وگو

برای بررسی دقیق‌تر شرایط اقتصادی کشور و شناخت هرچه بیشتر علل گرانی‌ها و تلاطمات بازارهای مالی به گفت‌وگو با «دکتر مرتضی عزتی» اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس پرداخته‌ایم:

■ لطفا درباره تاب‌آوری کشور به خصوص در حوزه اقتصادی توضیح دهید.

میزان تاب‌آوری یک کشور تحت تاثیر عوامل مختلفی است. یک بخش مهم تاب‌آوری وابسته به اقتصاد است. بخش‌های مهم دیگر نیز مربوط به نوع رابطه دولت و ملت و همچنین وضعیت فرهنگی و روانی جامعه است. معتقدم که ما از نظر تاب‌آوری اقتصادی وضعیت مناسبی داریم. چراکه، اگر هیچ صادراتی از و وارداتی به کشور هم نداشته باشیم؛ همچنان می‌توانیم عمده نیازهای اساسی‌مان را در داخل تامین کنیم. به بیان ساده‌تر، کل نیازهای ضروری وارداتی کشور ما بیش از ۱۰ میلیارد دلار نیست. بنابراین هر آن چه بیش از مبلغ مذکور و در اثر صادرات به دست آورده و صرف واردات کالاهای غیرضروری می‌کنیم؛ منافع مازاد و بیش از حد ضروریات کشور است. البته قطعا تامین این مواردی که جزء ضروریت‌های اصلی نیستند هم برای کشور لازم است. اما وقتی شرایط کشور اضطراری باشد؛ همچنین مردم هماهنگ و همراه بوده و دولت هم سیاست‌های اقتصادی درستی اعمال کند؛ خیلی روی مردم فشار نخواهد آمد. الآن وضعیت ما از نظر توانمندی‌های اقتصادی نسبت به دوران دفاع مقدس ۸ ساله خیلی بهتر است. اما در دو، سه زمینه وضعمان ضعیف‌تر است. اول وضعیت روانی و انتظاراتی مردم که نسبت به دهه ۶۰ متفاوت است. همچنین باید توجه داشته باشیم که وضعیت رابطه دولت و ملت نیز نسبت به دوران دفاع مقدس ۸ ساله تغییر کرده و قوت آن زمان را ندارد. به هر حال آن زمان اول انقلاب بود و اکثریت مردم ایران، همفکر و همسو بودند. جریان بسیار کمی هم بودند که با جریان غالب انقلابی مشکل داشتند. هرچند بار دیگر یادآوری می‌کنم که وضعیت اقتصادی امروز ما نسبت به دوران ۸ ساله دفاع مقدس خیلی بهتر است. البته سیاست‌گذاران امروز ما به خصوص در بخش اقتصادی یا خودشان سیاست‌گذار اصلی نیستند و یا اینکه سیاست صحیح را تشخیص نمی‌دهند. درنتیجه مسیری که در اقتصاد طی می‌کنیم چندان مسیر خوبی برای تقویت تاب‌آوری کشور نیست. هرچند که اقتصاد و مردم ایران تاکنون تاب‌آوری بالایی در برابر تهاجم بیگانه داشته و همچنان هم دارند. اگر سیاست‌های دولت همسو با نگاه مردم باشد و مردم احساس کنند این سیاست‌ها به خصوص در زمینه بازارهای مالی، قیمت‌ها و تامین نیازهای اساسی در راستای منافع مردم است؛ مردم همراهی بیشتری می‌کنند و این همراهی می‌تواند در تقویت تاب‌آوری کشور بسیار موثر باشد.

■ لطفا درباره حمایت‌های معیشتی دولت و مقایسه آن با سیاست‌های حمایتی دوران دفاع مقدس مانند کوپن توضیح دهید آیا دولت این توان را دارد که مانند جنگ ۸ ساله حداقل نیاز سفره‌های مردم را تامین کند؟

تامین نیازهای اساسی مردم از طریق تولید داخلی و مختصری واردات می‌تواند انجام شود و کشور در این زمینه محدودیتی ندارد. آنچه که در حال حاضر به مردم فشار آورده افزایش شدید قیمت‌ها و پایین آمدن قدرت خرید مردم است. اگر سیاستگذاران در دولت به درستی و در راستای تقویت تولید تصمیم‌گیری نمایند و هم‌زمان جلوی رشد غیرمتعارف قیمت‌ها را بگیرند؛ مشکل اساسی در ذهن مردم به وجود نخواهد آمد و تاب‌آوری تقویت خواهد شد. علاوه بر این نیازهای اساسی کشور از طریق آنچه که ما داریم قابل تامین است.

■ ریشه گرانی‌های اخیر چیست. گروهی همه گرانی‌ها را برگردن جنگ می‌اندازند و برخی دیگر جنگ را در گرانی‌ها بی‌تاثیر می‌دانند. نظر شما چیست؟

شکی نیست که جنگ بر شرایط کشور و اقتصاد آن بی‌اثر نیست. چون بخشی از توانمندی‌های تولید داخلی را ضربه زده و مقداری هم واردات را کاهش داده است. درنتیجه کاهش تولید و واردات عرضه نیز در داخل کم می‌شود و برخی قیمت‌ها را می‌تواند اضافه کند. اما عرض بنده بدین معنا نیست که همه کالاها تحت تاثیر قرار می‌گیرند. اصلی‌ترین عاملی که طی شش، هفت سال یا به طور دقیق‌تر از سال ۹۷، باعث تورم در ایران شده نرخ ارز بوده است. توجه کنید که همه بازارهای مالی به یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. یعنی هر تغییری در بازار ارز موجب تغییر در سایر بازارها نیز می‌شود. وقتی بازارهای مالی تغییر کند؛ به همان تناسب بازار دارایی‌ها تغییر می‌کند. وقتی هم که بازار دارایی‌ها تغییر کند همه چیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. وقتی که قیمت خانه، مغازه، خودرو و سهام، طلا و ارز تغییر کند به یکباره انتظارات تورمی به بازارهای دیگر سرایت می‌کند. یعنی مثلا اگر قیمت مغازه بالا برود؛ فروشنده توقع دارد با افزایش سود بر روی جنس بتواند این مسئله را جبران کند. درنتیجه جنس گران می‌شود. یا اگر قیمت زمین افزایش یابد؛ کشاورز ما توقع دارد که نرخ فروش اجناس تولیدی او افزایش یابد. خب اتفاقی که از سال ۹۷ تاکنون رخ داده این است که ما بازارها را متصل به این قیمت‌ها کرده‌ایم. بنابراین وضعیت به نحوی شده که چشمان فعالین اقتصادی به این نکته دوخته شده که کجا قیمت‌ها در حال بالا رفتن است تا به سراغ آن بروند. یعنی آن کالای گران شده را به عنوان مبنای قیمت‌گذاری کالا و خدمات خودشان قرار بدهند. درنتیجه، مشاهده می‌کنیم که اقتصاد ایران شدیدا تحت تاثیر نرخ ارز است. به طور کلی، در ۸ سال اخیر هر کجا که دولت، سیستم یا بازار تغییری در نرخ ارز ایجاد کردند تمام بازارها و قیمت‌ها هرچند موقتا، فوری یا در کوتاه‌مدت، از این افزایش نرخ ارز تاثیرپذیرفته‌اند. بنابراین همانگونه که بیان شد مهم‌ترین عامل رشد تورم در ایران به خصوص در سالیان اخیر، افزایش نرخ ارز بوده است.

■ آیا بازار ارز را می‌توانیم به شکل تثبیتی اداره کنیم. عده‌ای از کارشناسان معتقدند که در دوران جنگ نباید به دنبال رهاسازی و آزادسازی قیمت‌ها و سپردن همه چیز به عرضه و تقاضا به خصوص در بازار ارز باشیم.

قطعا باید در دوران جنگ، شرایطی را ایجاد کنیم که تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی جامعه افزایش یابد. درنتیجه هر شرط، ضابطه و قاعده‌ای که تامین کننده این هدف باشد را باید اجرایی کنیم. مگر اینکه واقعا در توان ما نباشد. مثلا بگوییم که واردات کالاهای اساسی باید خیلی زیاد شود اما تحریم و محاصره کار واردات را برای ما مشکل کرده و در عمل چنین تصمیمی را غیرممکن کند. از سوی دیگر، نباید فراموش کنیم که تحریم عامل بسیار مهمی در ضربه زدن به اقتصاد کشور بوده است. هر کسی مدعی باشد تحریم اثری بر اقتصاد ایران نداشته در حال بیان سخنی غیرواقعی و غیرعقلانی است. قطعا بخشی از افزایش نرخ ارز که خودش عامل تورم است نیز به دلیل همین تحریم‌ها ایجاد شده است. درنتیجه معتقدم که اگر واقعا ایران امکان لغو و برداشتن تحریم‌ها را داشت هم اکنون وضعیت تاب‌آوری ما بسیار بهتر بود. اما متاسفانه در واقعیت این امکان را نداریم. اما درباره نرخ ارز موضوع کاملا متفاوت است و ما می‌توانیم نرخ ارز را نسبتا تحت کنترل درآوریم. یعنی دارایی‌های ارزی و توانمندی‌های تصمیم‌گیری در کشور ما به قدری هست که بتوان چنین کاری را انجام داد. اما یک عده‌ای بدون در نظر گرفتن وضعیت و شرایط دشوار اقتصادی کشور در زمان جنگ، ادعاهای عجیبی دارند و می‌گویند که نرخ ارز باید آزاد گشته و افزایش یابد. این افراد اصلا درک درستی از وضعیت ندارند. ادعای این افراد مثل کسی است که بیماری را به جای رساندن به نزد پزشک در طبیعت رها می‌کند تا خود به خود بهبود یابد. معلوم است که چنین چیزی غیرممکن است. در حال حاضر شرایط اقتصادی ایران به شکلی است که تحت فشار عوامل بیرونی دچار بیماری شده و ما باید جسم رنجور این اقتصاد را تقویت کنیم تا بتواند به جنگ عوامل بیماری‌زای بیرونی رفته و بهبود یابد. مسلم است که هدف آمریکا و کشورهای همسو با و اشنگتن در اعمال فشارهای تحریمی به اقتصادی ایران، رساندن اقتصاد ما به شرایط فعلی بوده است. یعنی دشمن از ابتدا به دنبال اهدافی چون به هم ریختن بازارها و نرخ‌ها، کاهش قدرت خرید مردم، نابودی تولید و درنهایت کاهش تاب‌آوری مردم بوده است. خلاصه کلام اینکه ما گاهی مشاهده می‌کنیم که سیاستگذاران داخلی ما در حال رفتن به سمتی هستند که انگار دارند همان هدف آمریکا را در داخل دنبال می‌کنند. یکی از مواردی که به شدت برای اقتصاد ایران مضر است بالا بردن دائمی نرخ ارزهای خارجی است. ناراحت کننده است که در این ۸ سال اخیر، چندین مرتبه نرخ ارز از سوی مسئولان دولتی عامدانه افزایش یافته است. عجیب است که در بسیاری از موارد حتی بازار هم علاقه‌ای به افزایش نرخ ارز نشان نداده اما سیاستگذار مربوطه به یکباره نرخ ارز را عمدا بالا برده است. متاسفانه سوال هم که پرسیده‌ایم در پاسخ توجیهات غیرعقلانی و غیرمرتبط با شرایط و وضعیت ایران از آقایان شنیده‌ایم. خب این از مواردآشکاری است که سیاستگذاران کشور در راستای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور تاب برنداشته‌اند. از نخستین باری که سیاستگذاران در تابستان ۱۴۰۳ اعلام کردند که تصمیم دارند تا ارز را تک‌رقمی کنند؛ بارها در رسانه‌های گوناگون تذکر دادم که شرایط اقتصاد ایران برای تک‌نرخی شدن ارز مهیا نیست. تازه آن زمان هنوز جنگی هم میان ما و دشمن در خاک اصلی ایران در نگرفته بود. اکنون هم با صراحت بیشتری می‌گویم که در شرایط فعلی اقتصاد ایران، هرکاری هم انجام شود؛ ارز، تک‌نرخی نخواهد شد. بارها همین سخن را در جلسات با مسئولین و سیاستگذاران نیز مطرح کرده‌ام اما گوششان بدهکار نیست و اصلا معلوم نیست که دنبال چه چیزی هستند. من دو سناریو برای مسئولان و سیاستگذارانی که به هشدارها توجه نمی‌کنند را محتمل می‌دانم: نخست اینکه اصلا چیزی از اقتصاد سر در نمی‌آورند و دوم اینکه سرنوشت کشور برایشان اهمیت ندارد؛ به دنبال اهداف دیگری هستند و تک‌نرخی شدن فقط یک بهانه است.

■ با جراحی اقتصادی دولت مخالف بودید؟

اصلا مگر دولت پزشکیان جراحی اقتصادی انجام داده که من بخواهم موافق یا مخالف آن باشم. دولت پزشکیان به اسم اینکه به دنبال حل مشکل اقتصاد ایران است خودش مشکلات جدیدی هم خلق کرده و به قبلی‌ها افزود. البته توجه داشته باشید که بحث بنده ابدا این نیست که ما باید تا ابد یارانه پرداخت کنیم. واقعیت امر این است که بنده هیچ‌گاه با یارانه موافق نبوده و نیستم. اما حذف یارانه باید در شرایط مناسب و با فراهم نمودن بستر مناسب انجام گیرد. به عبارت دیگر، اینگونه نیست که ما هر زمان دلمان خواست یارانه‌ها را بدون توجه به شرایط حذف کنیم و هیچ آسیبی هم به اقتصاد ایران نرسد. ما باید اقتصاد را آرام آرام به سمتی می‌بردیم که این مشکل پیش نیاید. به عنوان مثال، اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد با مصوبه مجلس، دولت شروع به افزایش آرام قیمت کالاها کرد. به عنوان نمونه، نرخ بنزین شروع به افزایش با یک شیب ملایم کرد. به تناسب افزایش آرام نرخ بنزین، باقی کالاهای یارانه‌ای نیز کمی از میزان یارانه‌شان حذف گردید و گران شدند. یعنی اگر افزایش آرام آرام نرخ حامل‌های انرژی مانند بنزین در شرایطی که اقتصاد کشور در شرایط رشد اقتصادی قابل قبول ۳ تا ۵ درصدی است اتفاق بیفتد؛ هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. اما در شرایط فقدان یا منفی بودن رشد اقتصادی، تصمیماتی چون افزایش قیمت بنزین می‌تواند بیشترین ضربه را به اقتصاد کشورها وارد کند. بنابراین با شرایطی که ما از سال ۹۷ تاکنون در حال تجربه آن هستیم؛ هرنوع افزایش نرخ بنزین یا ارز برای اقتصاد ایران بسیار مضر است. اما متاسفانه از ۱۴۰۱ تاکنون ۳ مرتبه این تصمیم از سوی دولت اعمال شده و اتفاقا هر بار هم تورم شدیدی را به مردم تحمیل کرده است. یعنی معیشت مردم و تولید قربانیان شوک درمانی‌های دولت هستند. بنابراین ما در شرایط فعلی نباید سیاست‌های شوک درمانی را در اقتصاد ایران اجرایی کنیم. بلکه باید چنین اقداماتی مربوط به شرایط مساعد در اقتصاد ایران یا هر کشور دیگری است. شرایط مساعد، شرایطی است که مردم وضعیت نسبی مناسبی دارند و اوضاع رو به بهبود پیش می‌رود. بنابراین ما هر چه قدر هم در شرایط مساعد، قیمت‌ها را با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی جابه‌جا کنیم؛ مردم هیچ احساس منفی نخواهند داشت. در مورد خاص ارز، معتقدم که هم دولت و هم اقتصاد ایران ظرفیت لازم برای مدیریت افزایش قیمت آن در حد معقول را داشت. هیچ دلیلی برای افزایش یکباره نرخ ارز از ۴۰ به ۷۰ هزار تومان و رسیدن به نرخ‌های ۱۸۰ و ۲۷۰ هزار تومان وجود نداشت. یعنی دولت باید ظرف ۲ سال اخیر، سالیانه نهایتا ۱۰ تا ۲۰ درصد نرخ ارز را افزایش می‌داد و مطمئن باشید در این صورت، نرخ رشد اقتصادی ایران خیلی بهتر از وضعیت امروز بود.

■ آیا با اقدامات بانک مرکزی چون اختصاص چند هزار دلار به جهت هر کارت ملی موافقید؟

مسیری که دولت در مدیریت نرخ ارز طی کرده از ابتدا غلط بوده است. چراکه سرنوشت اقتصاد کشور را دربست به بازار ارز سپرده و نرخ‌ها را وابسته به بازار ارز کرد. اکنون ما درون چاله افتاده‌ایم. چاله‌ای که اقتصاد ما را کاملا وابسته به تحولات بازارهای مالی و به خصوص بازار ارز کرده است. متاسفانه هیچ سیاستی هم امکان نجات یکباره اقتصاد ایران را ندارد و قطعا شرایط را پیچیده‌تر خواهد کرد. باید آرام آرام راه نجات اقتصاد را در پیش بگیریم و نقطه شروع هم این است که نرخ ارزهای خارجی را پایین بیاوریم و سالیانه یک درصد بسیار کمی اجازه رشدشان را بدهیم. حتی در همین شرایط آشفته فعلی هم اگر سیاستگذار محکم ورود پیدا کرده و اعلام کند که برای مدت معلومی مثلا ۶ ماه یا یکسال به هیچ نحوی اجازه افزایش نرخ ارز را نخواهد داد؛ مطمئن باشید که انتظارات رشد شدید قیمت‌ها و توقعات گرانی‌های پی در پی مهار خواهد شد. در این صورت اعتماد فعالان اقتصادی نیز احیا و قیمت‌ها کاهش خواهد یافت. در یک بازه ۶ تا یکساله نیز می‌توانیم توقع داشته باشیم که بخش‌های دیگر اقتصاد نیز خودشان را با سیاست جدید دولت تطبیق داده و شرایط اقتصادی کشور بهتر شود.

■ آیا شما معتقد به سیاست سرکوب ارزی هستید؟

من هیچ‌گاه نگفتم که دولت نرخ ارز را به صورت دستوری کنترل کند. ببینید، بزرگترین عرضه‌کننده ارز، دولت و بنگاه‌های وابسته به آن از جمله فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها هستند. از سوی دیگر، می‌دانیم که قیمت هر کالایی حتی ارز در بازار با مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. درنتیجه دولت به عنوان بزرگترین عرضه‌کننده ارز اگر آمادگی عرضه آن با نرخ‌های پایین‌تر از نرخ فعلی را داشته باشد؛ بازار ارز خودکار به سمت نرخ‌های پایین‌تر حرکت خواهد کرد. تقاضاکننده هم که از خدا می‌خواهد تا با قیمت پایین‌تری خرید کند. خب پس این کار چه اشکالی دارد که دولت چنین نمی‌کند. به علاوه اگر ما بتوانیم به بازار بقبولانیم که ما اجازه نمی‌دهیم تا نرخ ارز بیش از تورم یا بخشی از آن افزایش یابد؛ دیگر هیچ متقاضی حاضر نخواهد بود تا ارز را در خانه برای کسب سود و حفظ ارزش دارایی پس‌انداز کند. به زبان ساده‌تر، طرف می‌بیند که اگر کالای مورد نیاز زندگیش را تهیه کند تورم آن کالا ۴۰ درصد است. اما اگر ارز بخرد نهایتا ۲۰ درصد تورم خواهد داشت. خب دیگر هیچ عقل سالمی به دنبال ذخیره‌سازی ارز نمی‌رود. در چنین شرایطی، رشد افسارگسیخته نرخ طلا نیز مدیریت خواهد شد و افراد بسیار کمتری به دنبال خرید طلا خواهند بود. بنابراین چون مردم پول بیشتری برای خرید کالاهای اساسی و مورد نیاز زندگی روزمره‌شان صرف خواهند کرد؛ درنتیجه پول بسیار زیادی از بازارهای سفته‌بازی وارد مسیر تولید شده و تولید کشور متحول می‌شود.

■ اتاق بازرگانی ادعا می‌کند ارز باز نمی‌گردد چون شما قیمت را سرکوب کرده‌اید و بازگشت ارز برای صادرکننده صرفه اقتصادی ندارد. نظر شما چیست؟

ببینید این ادعا بیش از اینکه منطبق بر واقعیت باشد حاصل رشد شدید نرخ ارز است. مثلا صادرکننده با خودش می‌گوید اگر امروز ارز را به کشور بیاورم باید ۱۴۰ هزار تومان بفروش برسانم. بنابراین با توجه به اینکه دولت هر روزه به دنبال افزایش نرخ ارز است من ارز را در خارج از کشور نگهداری می‌کنم و زمانی که به نرخ‌هایی چون ۲۰۰ هزار تومان رسید وارد ایران کرده و سود خوبی به جیب می‌زنم. اما اگر صادرکننده بداند که نرخ ارز مثلا همان ۱۴۰ هزار تومان باقی مانده و افزایش نخواهد یافت؛ فورا ارزش را به کشور باز می‌گرداند. این خیلی منطق ساده‌ای است. اما متاسفانه عده‌ای از سیاستگذاران در حال سفسطه هستند تا مسیر دیگری را بروند. اگر اوادتان باشد در اواخر دهه ۷۰ تا حدود زمستان ۱۳۹۰، نرخ دلار در کشور ما حدود هزار تومان بود. از خودتان بپرسید که پس چرا آن زمان اصلا چیزی به عنوان مشکل بازگشت ارز نداشتیم. یعنی هیچ‌کس حتی یک بار هم مدعی نشد که صادرکننده‌ای وجود دارد که ارزش را به درون کشور نمی‌آورد. اما الآن چون صادرکننده می‌داند که ارزش را تا تاخیر به داخل بازگرداند می‌تواند آن را ۲ تا ۳ برابر بفروشد؛ خب معلوم است که آن را نمی‌آورد. بنابراین اصلی‌ترین دلیل عدم بازگشت ارز به کشور، گران شدن ارز است.

■ آیا معتقدید که دولت‌ها نرخ ارز بازار را تعیین می‌کنند و به موقع لزوم نرخ ارز را بالا می‌برند؟

بزرگترین عرضه‌کننده ارز در کشور ما دولت و بنگاه‌های وابسته به آن شامل پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها هستند. جالب است که بزرگترین تقاضاکننده ارز هم همین بنگاه‌های وابسته به دولت هستند. به عنوان مثال، پتروشیمی‌ها مقادیری از ارز را دریافت می‌کنند تا مواد اولیه و کالاهای مورد نیازشان را تامین کنند. همچنین توجه داشته باشید که بخش مهمی از واردات کشور مربوط به فرآیند تامین کالاهای اساسی مردم است که توسط بنگاه‌های بخش خصوصی و با قیمت‌گذاری وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌شود. بنابراین درنهایت می‌بینیم که فرمان کار به دست دولت است. خیلی راحت اگر بخواهم بیان کنم باید بگویم که ما اصلا آن عرضه و تقاضایی که علم اقتصاد بیان می‌کند را در بازار ارز زمان به آن صورت نداریم که بخواهیم فرآیند کشف نرخ را از صرفا به دست بازار بسپاریم. چراکه بازار مورد نظر در تسلط دولت و وابستگان آن است و درنهایت معلوم است که در این بازار انحصاری فرآیند قیمت‌گذاری چگونه انجام خواهد شد.

■ دولت که باید به نفعش باشد که نرخ ارز ثابت بماند. هم تورم کنترل می‌شود و هم به وعده‌های انتخاباتی‌اش عمل می‌شود.

شما ابتدا به من بگویید که اصولا دولت چه کسانی هستند. آیا عده‌ای از افراد نیستند که دور هم جمع شده و رئیس جمهور، معاون اول، وزیر، مدیرکل و غیره شده‌اند. مشکل دقیقا از همین جا آغاز می‌شود. یعنی یک گروه از افراد قدرتمند را در فهرست داریم که هیچ قدرت پرسشگری به مانند احزاب تعریف‌شده سیاسی در همه جای دنیا در کشور ما وجود ندارد تا آن‌ها را مجبور به شفاف‌سازی و پاسخگویی کند. در چنین اقتصادی ممکن است عده‌ای از اعمال سیاستی خاص نفع ببرند. مثلا مسئولان اعتراف کرده‌اند که یک گروهی آن‌ها را تحت فشار

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۹

اخبار



بورس و دلار؛ رابطه‌ای دوطرفه در اقتصاد تورمی

ورود دلار به کانال جدید و ثبت قله‌های تاریخی جدید در بورس، بار دیگر رابطه پیچیده بازار ارز و بازار سهام را در کانون توجه قرار داد. در شرایطی که کاهش ارزش پول ملی، انتظارات تورمی و نگرانی از آینده متغیرهای اقتصادی تقاضا برای دارایی‌ها را افزایش داده، بورس و دلار نه‌تنها از تحولات مشترک اثر می‌پذیرند، بلکه از مسیرهای مختلف بر رفتار یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند.

دلار؛ موتور محرک بخشی از رشد بورس

در اقتصاد ایران، نرخ ارز یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر ارزش‌گذاری شرکت‌های بورسی است. بخش قابل توجهی از شرکت‌های بزرگ بازار سرمایه در صنایع صادرات‌محور، پتروشیمی، فلزات اساسی، معدنی و پالایشی فعالیت می‌کنند و درآمد یا بخشی از ساختار هزینه آنها به نرخ ارز وابسته است. افزایش نرخ ارز، به‌ویژه در شرایطی که نرخ‌های تسعیر مورد استفاده شرکت‌ها نیز تعدیل می‌شود، می‌تواند درآمد ریالی بنگاه‌های صادراتی را افزایش دهد. اگر رشد درآمدها با افزایش متناسب هزینه‌های تولید همراه نباشد، حاشیه سود و سودآوری این شرکت‌ها نیز تقویت خواهد شد. درنتیجه، سرمایه‌گذاران با پیش‌بینی افزایش سودآوری آتی، تمایل بیشتری به خرید سهام این شرکت‌ها پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش نرخ دلار بر ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت‌ها نیز اثرگذار است. زمانی که هزینه احداث یک کارخانه، خرید ماشین‌آلات و تأمین تجهیزات افزایش می‌یابد، ارزش اسمی دارایی‌های موجود نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این موضوع می‌تواند در ارزیابی سرمایه‌گذاران از ارزش شرکت‌ها مؤثر باشد. با این حال، نباید تصور کرد که افزایش دلار برای تمام شرکت‌های بورسی پیامد مثبتی دارد. شرکت‌هایی که وابستگی بالایی به مواد اولیه و تجهیزات وارداتی دارند، ممکن است با افزایش هزینه تولید و فشار بر سرمایه در گردش مواجه شوند. همچنین بنگاه‌هایی که امکان افزایش متناسب قیمت فروش محصولات خود را ندارند، ممکن است از رشد نرخ ارز آسیب ببینند. بنابراین، اثر دلار بر بورس بیش از آنکه یک اثر یکسان و عمومی باشد، به ساختار درآمد، هزینه و توان قیمت‌گذاری هر شرکت بستگی دارد.

بورس؛ مقصد نقدینگی در شرایط کاهش ارزش پول

رابطه بورس و دلار تنها به اثرگذاری نرخ ارز بر سود شرکت‌ها محدود نمی‌شود. بازار سهام نیز در شرایط تورمی می‌تواند به یکی از مقاصد مهم نقدینگی تبدیل شود و از این طریق بر رفتار سایر بازارهای دارایی اثر بگذارد. زمانی که انتظارات تورمی افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاران نسبت به حفظ قدرت خرید پول خود نگران می‌شوند، تقاضا برای دارایی‌های مختلف افزایش پیدا می‌کند. در چنین فضایی، سهام شرکت‌ها نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای سرمایه‌گذاری و پوشش نسبی ریسک تورم مورد توجه قرار می‌گیرد. رشد شاخص‌های بورس و افزایش قیمت سهام، می‌تواند بخشی از سرمایه‌هایی را که در غیر این صورت به سمت بازار ارز و طلا حرکت می‌کردند، به بازار سرمایه هدایت کند. به این ترتیب، رونق بورس در صورت جذب نقدینگی جدید یا انتقال منابع از بازارهای موازی، می‌تواند از شدت تقاضا در بازار ارز بکاهد. البته این اثرگذاری به معنای کاهش قطعی نرخ دلار نیست. اگر عوامل بنیادی افزایش نرخ ارز، از جمله محدودیت عرضه ارز، نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی و تشدید انتظارات تورمی همچنان پابرجا باشند، ورود پول به بورس لزوماً نمی‌تواند روند صعودی بازار ارز را متوقف کند. از سوی دیگر، افزایش قیمت سهام و رشد ارزش پرتفوی سرمایه‌گذاران می‌تواند احساس ثروت و قدرت خرید آنها را تقویت کند. بخشی از این منابع ممکن است در ادامه به بازارهای دیگر منتقل شود. بنابراین، بازار سهام هم می‌تواند در مقاطعی رقیب بازار ارز برای جذب نقدینگی باشد و هم در شرایطی دیگر، از طریق ایجاد بازدهی و افزایش ثروت سرمایه‌گذاران، بر تقاضای سایر دارایی‌ها اثر بگذارد.

همگرایی بورس و دلار؛ نشانه غلبه انتظارات تورمی

رکوردشکنی هم‌زمان بورس و دلار در مقطع مورد اشاره، از منظر تحولات اقتصاد کلان اهمیت ویژه‌ای دارد. شاخص کل بورس با رشد ۲،۴ درصدی به سطح ۸ میلیون و ۵۹۱ هزار واحد رسید و بازدهی خود از ابتدای سال را به ۱۳۱ درصد رساند. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲ درصدی در سطح ۲ میلیون و ۵۸۰ هزار واحد قرار گرفت و بازدهی ۱۷۱ درصدی را ثبت کرد. هم‌زمان، دلار با عبور از کانال ۲۸۰ هزار تومان، بازدهی بیش از ۸۰ درصدی از ابتدای سال را تجربه کرد. ورود حدود ۷ هزار میلیارد تومان پول به بازار سهام نیز از افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران حکایت داشت. این ارقام نشان می‌دهد که رشد بازار سهام تنها به افزایش نرخ ارز یا عملکرد چند شرکت بزرگ محدود نبوده و بخش گسترده‌تری از بازار در مسیر صعود قرار گرفته است. در چنین شرایطی، یکی از توضیحات مهم برای رشد هم‌زمان این دو بازار، افزایش وزن انتظارات تورمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. به بیان دیگر، بخشی از تقاضا برای خرید دلار و سهام نه صرفاً بر مبنای بازدهی مورد انتظار هر بازار، بلکه با هدف محافظت از ارزش دارایی‌ها در برابر کاهش قدرت خرید پول شکل می‌گیرد. نکته دیگر، جبران بخشی از عقب‌ماندگی بازار سهام از تورم و سایر بازارهای دارایی در سال‌های گذشته است. بورس در دوره‌هایی نتوانسته بود متناسب با رشد سطح عمومی قیمت‌ها و ارزش اسمی دارایی‌ها بازدهی ثبت کند. از این منظر، بخشی از صعود امسال را می‌توان واکنشی به این فاصله و تغییر انتظارات نسبت به ارزش و سودآوری شرکت‌ها دانست.

آیا بورس می‌تواند ترمز دلار را بکشد؟

پاسخ به این پرسش به منشأ افزایش نرخ ارز و کیفیت رشد بازار سهام بستگی دارد. اگر افزایش قیمت دلار عمدتاً ناشی از انتظارات تورمی و جست‌وجوی پناهگاه‌های سرمایه‌گذاری باشد، رونق بورس و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جذاب می‌تواند بخشی از تقاضای سفته‌بازانه ارز را جذب کند. اما اگر رشد نرخ ارز ریشه در محدودیت‌های ساختاری عرضه، کاهش دسترسی به منابع ارزی، اختلال در جریان درآمدهای ارزی و نااطمینانی‌های سیاسی داشته باشد، صرف افزایش شاخص‌های بورس نمی‌تواند این عوامل را خنثی کند. از سوی دیگر، اگر افزایش نرخ ارز به رشد سودآوری شرکت‌ها منجر شود، بازار سهام می‌تواند با اتکا به بهبود متغیرهای بنیادی به مسیر صعودی ادامه دهد. اما اگر رشد قیمت سهام عمدتاً ناشی از انتظارات تورمی باشد و با افزایش واقعی سود شرکت‌ها، تولید و جریان نقد عملیاتی همراه نشود، احتمال شکل‌گیری فاصله میان قیمت بازار و ارزش بنیادی برخی سهام وجود خواهد داشت.

آنچه در مقطع کنونی اهمیت دارد، فقط ثبت رکوردهای جدید در بورس و بازار ارز نیست، بلکه کیفیت و پایداری این رشدها است. در بازار سهام باید مشخص شود که افزایش قیمت‌ها تا چه اندازه با رشد درآمد، سودآوری و جریان نقد شرکت‌ها پشتیبانی می‌شود. در بازار ارز نیز تداوم عرضه و تقاضا، سیاست‌های ارزی و تحولات سیاسی و اقتصادی تعیین‌کننده خواهند بود. درنهایت، بورس و دلار را باید دو بازار مرتبط اما با سازوکارهای متفاوت دانست که در اقتصاد تورمی ایران از یکدیگر اثر می‌پذیرند. افزایش نرخ ارز می‌تواند از مسیر سودآوری و ارزش جایگزینی شرکت‌ها به رشد بازار سهام کمک کند و رونق بورس نیز با جذب بخشی از نقدینگی، بر تقاضای ارز اثر بگذارد. با این حال، هیچ‌یک به‌تنهایی تعیین‌کننده مسیر دیگری نیست.



گزارش

تبعات اقتصادی جنگ علیه ایران به قبض انرژی اروپایی‌ها رسید

جنگ علیه ایران با ایجاد اختلال در مسیر انتقال انرژی از تنگه هرمز، دامنه پیامدهای خود را به اقتصاد اروپا کشانده است؛ به‌طوری که کاهش بیش از ۶۰ میلیارد مترمکعبی بارگیری گاز طبیعی مایع‌شده از قطر و امارات، افزایش نزدیک به ۷۰ درصدی قیمت گاز در بازار مرجع اروپا و رشد ۲۴.۱ درصدی قیمت انرژی در فرانسه، تنها بخشی از هزینه‌هایی است که این بحران بر بازار جهانی تحمیل کرده است.

پیامدهای جنگ علیه ایران با ایجاد اختلال در مسیر انتقال انرژی از تنگه هرمز، به بازارهای جهانی نفت و گاز گسترش یافته است. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، بارگیری گاز طبیعی مایع‌شده از قطر و امارات متحده عربی در فاصله مارس تا اکتبر ۲۰۲۶، در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته بیش از ۶۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است. این افت در شرایطی رخ داده که تولید گاز طبیعی مایع‌شده در خارج از منطقه خلیج فارس ۱۴ درصد، معادل بیش از ۴۰ میلیارد مترمکعب، افزایش پیدا کرده اما رشد تولید سایر مناطق نتوانسته کاهش عرضه کشورهای منطقه را جبران کند.

درمجموع، تولید جهانی این حامل انرژی طی دوره یادشده حدود ۶ درصد، معادل نزدیک به ۲۰ میلیارد مترمکعب، پایین آمده است. آژانس بین‌المللی انرژی هشدار داده است که در صورت تداوم اختلال در تنگه هرمز تا پایان سال، عرضه جهانی گاز طبیعی مایع‌شده در سال ۲۰۲۶ حدود ۳ درصد کاهش می‌یابد؛ رقمی که می‌تواند شدیدترین افت سالانه ثبت‌شده در این بازار باشد. اهمیت این وضعیت از آنجا ناشی می‌شود که حدود ۲۰ درصد عرضه جهانی گاز طبیعی مایع‌شده در سال ۲۰۲۵ از تنگه هرمز عبور کرده است. محدودیت عرضه، قیمت گاز در بازار مرجع اروپا را در فاصله مارس تا اکتبر به طور متوسط نزدیک به ۷۰ درصد و در بازار آسیا حدود ۸۰ درصد افزایش داده است؛ به طوری که قیمت‌ها به ترتیب به حدود ۲۰ و ۲۱.۵ دلار به ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا رسیده‌اند.

اروپا؛ در معرض فشار هم‌زمان عرضه و تقاضای زمستانی

اقتصاد اروپا یکی از مناطقی است که در برابر اختلال در جریان انرژی از خاورمیانه آسیب‌پذیری بالایی دارد. اتحادیه اروپا در سند مربوط به امنیت انرژی زمستان ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ اعلام کرده است که اختلال در تنگه هرمز، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از واردات نفت این اتحادیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌ویژه واردات سوخت هواپیما و گازوئیل که برای حمل‌ونقل و فعالیت‌های اقتصادی اهمیت بالایی دارند.

این سند همچنین نشان می‌دهد ذخایر گاز اتحادیه اروپا در اوایل اکتبر کمی بیش از ۷۲ درصد ظرفیت بوده است؛ سطحی که پایین‌ترین میزان ذخیره‌سازی فصلی از زمان آغاز ثبت این آمار در سال ۲۰۱۱ به شمار می‌رود. قیمت گاز اروپا نیز در میانه سپتامبر از ۸۲ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت عبور کرد و به بالاترین سطح از دسامبر ۲۰۲۲ رسید. به این ترتیب، اروپا در آستانه فصل سرد با دو نگرانی هم‌زمان روبه‌رو شده است. از یک سو ذخایر گاز در سطح پایین‌تری از سال‌های گذشته قرار دارد و از سوی دیگر، اختلال در عرضه محموله‌های گاز طبیعی مایع‌شده می‌تواند تأمین نیاز زمستانی را دشوارتر کند. آژانس بین‌المللی انرژی نیز هشدار داده است که سطح ذخایر گاز اروپا در آغاز فصل گرمایش ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به پایین‌ترین میزان از سال ۲۰۱۳ رسیده است. بر اساس شبیه‌سازی این نهاد، اگر سرمای هوا بیش از میانگین معمول باشد و اختلال در جریان گاز از تنگه هرمز ادامه پیدا کند، ذخایر گاز اتحادیه اروپا ممکن است تا پایان مارس ۲۰۲۷ به کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت قابل استفاده برسد. چنین وضعیتی می‌تواند بازار اروپا را در برابر موج‌های سرمای جدید، اختلال فنی در تاسیسات یا محدودیت بیشتر عرضه آسیب‌پذیر کند.

البته اتحادیه اروپا در مقایسه با بحران انرژی سال ۲۰۲۱ از تنوع بیشتری در منابع تأمین گاز، ظرفیت بالاتر واردات گاز طبیعی مایع‌شده و مصرف پایین‌تر برخوردار است؛ با این حال، این مزیت‌ها به معنای مصونیت کامل از پیامدهای بحران نیست. رقابت با خریداران آسیایی برای دریافت محموله‌های گاز و افزایش تقاضای گرمایشی در فصل زمستان همچنان می‌تواند قیمت‌ها را در سطح بالا نگه دارد.

نوسان قیمت‌ها؛ از جهش نفت تا عقب‌نشینی مقطعی

بازار نفت نیز در هفته‌های اخیر به‌شدت تحت تأثیر تحولات خلیج فارس قرار داشته است. در بیست‌وچهارم نوامبر، پس از انتشار گزارش‌هایی درباره حمله به شناورها در نزدیکی تنگه هرمز، قیمت نفت برنت با رشد ۲.۲۷ درصدی به ۹۱ دلار و ۴۰ سنت در هر بشکه رسید، نفت خام آمریکا نیز با افزایش ۲.۳۵ درصدی، در سطح ۸۲ دلار و پنج سنت معامله شد.

با این حال، در روز بیست‌وپنجم نوامبر روند بازار تغییر کرد، قیمت نفت برنت با کاهش ۱.۷۳ درصدی به ۸۹ دلار و ۸۲ سنت رسید و نفت خام آمریکا نیز ۱.۷۷ درصد افت کرد و به ۸۰ دلار و ۶۰ سنت رسید. هم‌زمان، قیمت گاز طبیعی در بازار مرجع اروپا نیز ۳.۹ درصد کاهش یافت و به ۸۸ یورو و ۱۰ سنت به ازای هر مگاوات‌ساعت رسید. این کاهش در شرایطی اتفاق افتاد که گزارش‌هایی از وقوع حوادث جدید برای شناورها منتشر شده بود.

دلیل این رفتار متفاوت بازار را باید در مجموعه‌ای از عوامل جست‌وجو کرد، از یک طرف، خطر اختلال در انتقال نفت از خلیج فارس، نگرانی درباره کمبود عرضه و افزایش قیمت را تقویت می‌کند؛ از طرف دیگر، بازگشت بخشی از صادرات نفت منطقه و انتظار مازاد عرضه جهانی می‌تواند فشار کاهشی بر قیمت‌ها وارد کند. آژانس بین‌المللی انرژی نیز پیش‌بینی کرده است عرضه جهانی نفت در سه‌ماهه پایانی سال از تقاضا بیشتر باشد.

بر اساس گزارش منتشرشده در بیست‌وپنجم نوامبر، صادرات نفت خام کشورهای حاشیه خلیج فارس در اکتبر به حدود ۱۵ میلیون بشکه در روز رسیده که معادل ۸۲ درصد سطح پیش از جنگ است. مجموع صادرات نفت این منطقه، با کنار گذاشتن عمان، نیز به حدود ۷۴ درصد سطح پیش از جنگ بازگشته است. این ارقام نشان می‌دهد بخشی از جریان عرضه احیا شده اما هنوز به وضعیت عادی پیش از بحران نرسیده است. بنابراین، افت مقطعی قیمت‌ها را نمی‌توان به معنای پایان آثار اقتصادی اختلال در تنگه هرمز دانست.

فشار انرژی در آمار تورم فرانسه و ایتالیا

پیامدهای افزایش هزینه انرژی در شاخص‌های اقتصادی کشورهای اروپایی نیز قابل مشاهده است. در فرانسه، طبق آمار نهایی موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی این کشور، تورم مصرف‌کننده در اکتبر ۲۰۲۶ به ۳.۴ درصد رسید؛ در حالی که این رقم در سپتامبر ۳.۱ درصد بود. در همین دوره، قیمت انرژی نسبت به اکتبر سال قبل ۲۴.۱ درصد افزایش یافت و برای چهارمین ماه متوالی شتاب گرفت.

جزئیات این آمار نشان می‌دهد قیمت گاز در فرانسه طی یک سال ۲۷.۱ درصد، فرآورده‌های نفتی ۳۸.۵ درصد، گازوئیل ۴۶.۷ درصد و بنزین ۲۷.۳ درصد افزایش داشته است. قیمت سوخت مایع نیز رشد ۶۹.۹ درصدی را ثبت کرده و برق با افزایش ۲.۷ درصدی روبه‌رو شده است. در مقابل، تورم مواد غذایی ۱.۲ درصد بوده و قیمت محصولات تولیدی در مجموع ۰.۲ درصد کاهش یافته است. تورم پایه فرانسه نیز که نوسانات انرژی و برخی اقلام پرنوسان را کنار می‌گذارد، در سطح ۱.۷ درصد قرار داشته است.

این تفاوت نشان می‌دهد فشار تورمی فرانسه در مقطع مورد بررسی بیش از آنکه در تمام بخش‌های اقتصاد گسترش یافته باشد، در بخش انرژی متمرکز بوده است. انرژی حدود ۷.۶ درصد از وزن سبد شاخص قیمت مصرف‌کننده فرانسه را تشکیل می‌دهد؛ به همین دلیل، حتی رشد بیش از ۲۴ درصدی قیمت آن نیز به‌تنهایی به معنای افزایش مشابه تورم عمومی نیست. کاهش قیمت برخی کالاهای تولیدی و رشد محدود قیمت مواد غذایی نیز بخشی از فشار انرژی را در شاخص کل تعدیل کرده است.

روزنامه لوموند در گزارشی درباره وضعیت تورم فرانسه توضیح داده است که ضعف فعالیت اقتصادی، کاهش تقاضا و افزایش بیکاری فعلاً مانع انتقال کامل هزینه انرژی به سایر قیمت‌ها شده است. طبق این گزارش، اقتصاد فرانسه در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ حدود ۰.۱ درصد کوچک شده و رشد اقتصادی این کشور در کل سال احتمالاً از ۰.۴ درصد فراتر نخواهد رفت. همچنین شاخص فعالیت بخش خصوصی در نوامبر به پایین‌ترین سطح شش‌ماهه رسیده است.

به نوشته لوموند، انتقال افزایش هزینه انرژی، مواد اولیه و حمل‌ونقل به قیمت نهایی کالاها معمولاً با تأخیر شش تا ۱۲ ماهه انجام می‌شود. از این رو، بخشی از فشار فعلی ممکن است در نیمه نخست سال ۲۰۲۷ و در قالب افزایش قیمت کالاها و خدمات آشکارتر شود. این موضوع به‌ویژه برای صنایع غذایی و شرکت‌هایی اهمیت دارد که در ماه‌های آینده باید هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل را در قراردادهای جدید خود لحاظ کنند.

در ایتالیا نیز شاخص روزانه گاز این کشور روند افزایشی داشته است، طبق داده‌های منتشرشده از سوی مدیر بازارهای انرژی ایتالیا، شاخص گاز این کشور از ۸۸.۷۵ یورو به ازای هر مگاوات ساعت در بیست‌وسوم نوامبر به ۹۳.۵۰ یورو در روز بیست‌وچهارم رسید و در بیست‌وپنجم نوامبر به ۹۶ یورو افزایش یافت، به این ترتیب، این شاخص طی دو روز حدود ۸.۲ درصد رشد کرده است. البته شاخص گاز ایتالیا با شاخص مرجع تی‌تی‌اف اروپا یکسان نیست و باید تغییرات آن را در چارچوب بازار داخلی ایتالیا ارزیابی کرد.

هزینه‌ای که می‌تواند در ماه‌های آینده بیشتر نمایان شود

آنچه از مجموعه این داده‌ها برمی‌آید، آن است که آثار اقتصادی جنگ علیه ایران فقط به افزایش لحظه‌ای قیمت نفت یا گاز محدود نمی‌شود. اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، کاهش عرضه گاز طبیعی مایع‌شده، افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل دریایی و رقابت میان خریداران برای تأمین محموله‌ها، زنجیره‌ای از فشارهای اقتصادی را ایجاد کرده است که می‌تواند با تأخیر به صنایع و خانوارها منتقل شود.

برای اروپا، این وضعیت در آستانه زمستان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا افزایش مصرف گرمایشی هم‌زمان با پایین بودن سطح ذخایر و نااطمینانی درباره عرضه، احتمال نوسان قیمت گاز را تقویت می‌کند. در بخش حمل‌ونقل نیز افزایش قیمت گازوئیل و سوخت هواپیما می‌تواند هزینه جابه‌جایی کالا و مسافر را بالا ببرد و از این مسیر بر قیمت تمام‌شده محصولات اثر بگذارد.

با این حال، نباید تمام افزایش قیمت‌ها و تورم اروپا را تنها به جنگ نسبت داد، سرمای هوا، سطح ذخایر، وضعیت تولید در سایر مناطق جهان، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها و ضعف یا قوت تقاضا نیز در شکل‌گیری قیمت‌ها نقش دارند. آنچه آمارهای آژانس بین‌المللی انرژی، اتحادیه اروپا و نهادهای آماری کشورهای اروپایی تأیید می‌کند، این است که اختلال در جریان انرژی از تنگه هرمز یکی از عوامل اصلی تشدید نااطمینانی در بازار جهانی انرژی در سال ۲۰۲۶ بوده است.

درنهایت، هرچه نااطمینانی درباره امنیت عبور کشتی‌ها و استمرار عرضه از خلیج فارس طولانی‌تر شود، احتمال ماندگاری هزینه‌های بالاتر انرژی در اقتصاد جهانی نیز بیشتر خواهد شد. حتی در صورت کاهش تنش‌ها، بازگشت کامل زنجیره تأمین، جبران کاهش ذخایر و تعدیل قراردادهای انرژی ممکن است زمان‌بر باشد. به همین دلیل، هزینه اقتصادی جنگ علیه ایران می‌تواند بسیار فراتر از روزهای درگیری ادامه پیدا کند و اثر آن در ماه‌های آینده، نه فقط در بازارهای نفت و گاز، بلکه در هزینه تولید، حمل‌ونقل و سبد مصرف خانوارهای اروپایی نیز نمایان‌تر شود.

نباید تمام افزایش قیمت‌ها و تورم اروپا را تنها به جنگ نسبت داد، سرمای هوا، سطح ذخایر، وضعیت تولید در سایر مناطق جهان، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها و ضعف یا قوت تقاضا نیز در شکل‌گیری قیمت‌ها نقش دارند. اختلال در جریان انرژی از تنگه هرمز یکی از عوامل اصلی تشدید نااطمینانی در بازار جهانی انرژی در سال ۲۰۲۶ بوده است

صمت پاسخ سند رو کردن ایران خودرو درباره تخلفش را داد

در حالی که ایران خودرو مدعی است بر اساس مصوبه کمیته خودرو مجوز فروش خودرو خارج از شبکه را دارد اما وزارت صمت این موضع خودروساز را تفسیری غلط از مصوبه می‌داند.

حدود دو هفته پیش، ایران خودرو فروش ۱۰ هزار دستگاه خودرو را از طریق یک نهاد مالی، بانک شهر، و کنسرسیوم‌های مرتبط آغاز کرد. این خودروساز پیش از توقف عرضه و ورود دستگاه قضایی، تعدادی از خودروها را با قیمتی حدود ۲۰۰ میلیون تومان کمتر از نرخ بازار فروخت. ایران خودرو برای این اقدام به مصوبه چهل‌وسومین جلسه کمیته خودرو استناد کرده و مدعی است مجوز چنین فروشی را داشته است. با این حال، مقامات وزارت صمت و ایدرو این تفسیر از مصوبه را رد کرده و اعلام کرده‌اند کمیته خودرو مجوزی برای واگذاری‌های زنجیره‌ای خارج از ضوابط و عرضه با قیمت‌های حاشیه بازار صادر نکرده است. وزارت صمت تأکید دارد عرضه خودرو باید با طی فرآیند قانونی، اخذ مجوز از سازمان حمایت و از مسیرهای شفاف انجام شود.

متن مصوبه چهل‌وسومین جلسه کمیته خودرو

درخواست شرکت ایران خودرو برای تخصیص خودرو به زنجیره تأمین، به استناد مکاتبه شماره ۱۴۰۵۴۹۰۸۶ مورخ هفتم تیر ۱۴۰۵ این شرکت، با موضوع تسویه بخشی از مطالبات بالای ۹۰ روز قطعه‌سازان از طریق تخصیص خودروهای تولیدی با قیمت کارشناسی یا توافقی، در کمیته خودرو مطرح و به شرح زیر تصویب شد:

تصمیم‌گیری در این خصوص و موارد مشابه به هیات‌مدیره شرکت ایران خودرو واگذار شود تا هیات‌مدیره در چارچوب قوانین و مقررات مرتبط و با مسئولیت خود، نسبت به اتخاذ تصمیم و اقدام در این زمینه اقدام کند. اتخاذ تصمیماتی از این قبیل باید به پایداری و رشد تولید منجر شود و نباید برای مشتریان محصولات موردنظر تعهد معوق ایجاد کند. همچنین نباید خللی در عرضه مستمر خودرو برای تنظیم بازار محصولات ایجاد شود. ضمناً مقرر شد شرکت ایران خودرو گزارش‌های فصلی درباره عملکرد و تعهدات جاری و معوق، با اشاره به عمق تعهدات شرکت، به کمیته خودرو ارائه دهد.

این مصوبه موضوع تخصیص خودرو برای تسویه بخشی از مطالبات قطعه‌سازان را مطرح کرده و تصمیم‌گیری درباره آن را به هیات‌مدیره ایران خودرو سپرده است؛ تصمیم‌گیری‌ای که طبق متن مصوبه باید در چارچوب قوانین و مقررات مرتبط انجام شود. در متن مصوبه، مجوزی برای عرضه خارج از شبکه یا فروش بدون طی فرآیندهای قانونی تصریح نشده است.

توضیحات سخنگوی وزارت صمت درباره مصوبه

عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، درباره این مصوبه به خبرنگار فارس گفت: آقای معمارباشی، معاون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، اعلام کرده است که در مصوبه کمیته خودرو چنین مجوزی وجود نداشته است. طبیعی است اگر خودروساز ادعا می‌کند این اقدام بر اساس مصوبه‌ای انجام شده، باید مستندات خود را به مرجع قضایی ارائه کند و صحت و اعتبار این ادعا نیز از سوی مرجع قضایی بررسی خواهد شد. صرف طرح یک ادعا نمی‌تواند نشان دهد که اقدام انجام‌شده خلاف مقررات نبوده است. این موضوع باید بر اساس مستندات بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری شود.



زارعی همچنین گفت: خودروساز می‌تواند پیشنهادهای مختلفی ارائه کند، اما اینکه پیشنهاد مطرح‌شده با قوانین و مقررات مطابقت داشته باشد، موضوع دیگری است. حتی باید بررسی شود که آیا کمیته خودرو اساساً اختیار ورود به چنین موضوعی را داشته یا خیر.

همان‌طور که معاون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اعلام کرده است، ادعای مطرح‌شده درباره وجود مصوبه باید در مرجع قضایی بررسی شود و این مرجع درباره صحت آن اعلام نظر کند.

موضع وزارت صمت درباره ادامه عرضه

سخنگوی وزارت صمت درباره نحوه عرضه خودروها نیز گفت: از نظر وزارت صمت، اصل این عرضه با اشکال مواجه بوده و با مقررات تطبیق نداشته است. طبیعی است اگر خودروسازی بخواهد عرضه جدیدی انجام دهد، باید مطابق روش‌های قانونی و موجود اقدام کند.

هر خودروسازی می‌تواند خودروهای خود را از مسیرهای قانونی عرضه کند؛ برای مثال، مجوزهای لازم را از سازمان حمایت دریافت کند و در سامانه مربوطه عرضه داشته باشد. منظور وزارت صمت، چنین عرضه‌هایی نیست، بلکه روشی که در ماجرای اخیر و درباره عرضه حدود ۱۰ هزار خودرو در نمایشگاه به کار گرفته شده، با فرآیندهای قانونی فروش خودرو مطابقت نداشته است. اگر این روش ادامه یابد، باز هم خلاف است؛ هرچند با توجه به ورود دادستانی و قوه قضاییه، بعید است چنین روشی دوباره تکرار شود. اکنون با توجه به ابعاد گسترده این پرونده و تناقض میان استدلال‌های خودروساز و موضع قاطع نهادهای نظارتی، انتظار می‌رود دستگاه قضایی با سرعت و دقت بیشتری ابعاد پنهان این ماجرا را روشن سازد. تعیین تکلیف این پرونده نه تنها برای شفاف‌سازی نحوه تسویه مطالبات زنجیره تأمین و جلوگیری از تکرار چنین رویه‌هایی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند خط بطلانی بر هرگونه تفسیر شخصی از مصوبات دولتی بکشد. از سوی دیگر، شفاف‌سازی سریع ابعاد این واگذاری و اعلام نتیجه بررسی‌های قضایی، ضامن صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و بازار خودرو خواهد بود تا مشخص شود آیا استفاده از ابزارهای مالی و تهاتر با خودرو، فراتر از چارچوب‌های قانونی بوده یا خیر. افکار عمومی و فعالان اقتصادی اکنون چشم‌انتظار تصمیم قاطع دستگاه قضا در این پرونده حساس هستند.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۹ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



سهم برنامه‌های پیشگیری فقط ۲۲ درصد شد؛

بودجه مقابله با آسیب‌های اجتماعی آب رفت

حجت بین‌آبادی
پژوهشگر حوزه بودجه و مالی

با وجود تکلیف قانونی دولت در برنامه هفتم برای تدوین و اجرای برنامه‌های فوق العاده کاهش آسیب‌های اجتماعی، بررسی بودجه سال ۱۴۰۴ از کاهش ۱۶.۷ درصدی اعتبارات سازمان امور اجتماعی و تخصیص فقط ۲۲ درصد منابع این ردیف به برنامه‌های مشخص ۹ دستگاه اجرایی حکایت دارد.

آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر به یکی از پیچیده‌ترین و پرهزینه‌ترین چالش‌های نظام حکمرانی کشور تبدیل شده‌اند. پدیده‌هایی چون طلاق، اعتیاد، حاشیه‌نشینی، فسادوناهنجاری‌های اجتماعی نه‌فقط سرمایه‌اجتماعی را فرسایشی می‌کنند، بلکه بار مالی سنگینی را بر دوش بودجه عمومی کشور تحمیل می‌کنند. در این میان، قانون‌گذار در بند «الف» ماده (۸۵) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، تکلیف سنگینی را برای دستگاه‌های اجرایی و نهادهای سیاست‌گذار تعیین کرده است. براساس این حکم قانونی، دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف شده‌اند تا برنامه‌های فوق‌العاده پایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی را با همکاری سازمان امور اجتماعی تدوین کرده و تا پایان هر سال شورای اجتماعی کشور آن را تصویب کند. در سوی دیگر، سازمان برنامه و بودجه موظف است اعتبار لازم را بر اساس شاخص‌های معتبر و زمان‌بندی متناسب در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی کند. با توجه به قانون بودجه سال ۱۴۰۴، ارزیابی عملکرد این حکم از منظر تخصیص منابع مالی، ابعاد تازه‌ای از چالش‌های حکمرانی بودجه‌ای در این حوزه را آشکار می‌کند که نیازمند تحلیل دقیق و کارشناسی است.

مبانی قانونی و الزامات برنامه‌ای در تخصیص منابع

قانون برنامه هفتم پیشرفت، نگاه خود به مقوله آسیب‌های اجتماعی را بر پایه پیشگیری و مداخله هدفمند بنا نهاده است. بند «الف» ماده (۸۵) آن با الزام دستگاه‌ها به تدوین برنامه‌های فوق‌العاده، درصدد است تا از پراکنده‌کاری و موازی‌کاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. این حکم قانونی، سازمان امور اجتماعی وزارت کشور را به عنوان متولی هماهنگی و شورای اجتماعی کشور را به عنوان مرجع تصویب این برنامه‌ها معرفی کرده است. از منظر بودجه‌ای، سازمان برنامه و بودجه مکلف است تا منابع مالی این برنامه‌ها را نه به صورت کلی و مبهم، بلکه بر اساس شاخص‌های معتبر و با زمان‌بندی مشخص در قوانین بودجه سالانه درج کند. این مبنا نشان‌دهنده عزم قانون‌گذار برای ایجاد پیوندی نظام‌مند میان اهداف کمی، فعالیت‌های اجرایی و منابع مالی است. با این حال بررسی‌های دقیق در لایحه و قانون بودجه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان این الزام قانونی و واقعیت‌های اجرایی بودجه وجود دارد؛ فاصله‌ای که عمدتاً ناشی از ضعف در سازوکارهای تخصیص و عدم شفافیت در ردیف‌های بودجه‌ای است.

بررسی داده‌های بودجه‌ای سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ردیف بودجه‌ای ۱۰۵۰۳۰ وزارت کشور (سازمان امور اجتماعی) با کاهش ۱۶.۷ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۳، به رقم ۲۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است. از این مبلغ، تنها حدود ۴۳۷ میلیارد تومان (معادل ۲۲ درصد) به طور مشخص به برنامه‌های فوق‌العاده ۹ دستگاه اجرایی اختصاص پیدا کرده است. توزیع این اعتبارات میان دستگاه‌ها به شدت نامتوازن است؛ به گونه‌ای که سازمان بهزیستی کشور با سهم حدود ۴۱ درصد و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با سهم حدود ۲۵ درصد، نزدیک به دوسوم کل اعتبارات این برنامه‌ها را در اختیار دارند.

با افزودن سهم قوه قضائیه، سهم سه دستگاه اصلی به حدود سه چهارم (۷۵ درصد) کل اعتبارات می‌رسد. در مقابل، سایر دستگاه‌های مجری شامل سازمان بسیج مستضعفین، هلال احمر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فرماندهی کل انتظامی (فراجا)، سازمان امور دانشجویان و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تنها سهم‌های محدودی بین ۲ تا ۶ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. از منظر ساختار هزینه‌ای نیز، تقریباً همه این اعتبارات به صورت هزینه‌ای ابلاغ شده و تنها بخش ناچیزی از اعتبارات سازمان بهزیستی به صورت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمدتاً خرید خودروهای اورژانس اجتماعی) پیش‌بینی شده است. این در حالی است که تمرکز نسبی منابع بر گروه‌های پرریسک مانند زنان سرپرست خانوار، کودکان بازمانده از تحصیل، دانشجویان، نوجوانان مناطق حاشیه‌ای و افراد دارای افکار خودکشی، از نقاط قوت این تخصیص به شمار می‌رود.

چالش‌های حکمرانی بودجه‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی

ارزیابی حکمرانی بودجه‌ای آسیب‌های اجتماعی در بند «الف» ماده (۸۵) قانون برنامه هفتم، چهار چالش بنیادین را آشکار می‌کند. نخست، تمرکز نهادی شدید است. اختصاص ۷۵ درصد منابع به سه دستگاه اجرایی هرچند نشان‌دهنده اولویت‌گذاری است اما خطر نادیده گرفته شدن سایر آسیب‌های اجتماعی که توسط دستگاه‌های کوچک‌تر مدیریت می‌شوند را افزایش می‌دهد.

دوم، ضعف قابلیت ردیابی و پاسخ‌گویی بودجه‌ای است. در عمل، بودجه به وزارت کشور سپس به سازمان امور اجتماعی و بعد به دستگاه‌های مجری منتقل می‌شود. قانون اختیار مستقلی برای تخصیص به سازمان امور اجتماعی در نظر نگرفته و این چرخه معیوب، ردیابی دقیق بودجه از مرحله پیش‌بینی تا تخصیص و هزینه کرد واقعی را دشوار می‌کند. سوم، نسبت نامتوازن پیشگیری به درمان در ساختار بودجه‌ای است؛ غلبه مطلق اعتبارات هزینه‌ای بر اعتبارات سرمایه‌ای نشان می‌دهد که بودجه بیشتر صرف مدیریت بحران‌های موجود (درمان) می‌شود تا ایجاد زیرساخت‌های پیشگیرانه. چهارمین چالش، ابهام در تعریف برنامه‌های فوق‌العاده و تمایز آن‌ها از فعالیت‌های عادی دستگاه‌هاست. مشخص نیست که این برنامه‌ها باید کاملاً جدید باشند یا صرفاً تقویت برنامه‌های جاری؛ این ابهام خطر هم‌پوشانی، تأمین مالی تکراری و عدم تحقق ارزش افزوده جدید را به شدت افزایش می‌دهد. همچنین ابهام در شناسایی دقیق دستگاه‌های ذی‌ربط، تفکیک مسئولیت‌ها و سازوکار حل اختلاف میان وزارت کشور و سازمان برنامه و بودجه، بر پیچیدگی این چالش‌ها افزوده می‌کند. بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و تضمین اثربخشی مداخلات کاهش آسیب‌های اجتماعی، اتخاذ راهکارهای سیاستی و تقنینی ذیل ضروری به نظر می‌رسد. تدوین برنامه جامع پیشگیری و کاهش برای هر آسیب اجتماعی: به جای تمرکز بر دستگاه‌ها، باید برای هر آسیب (مانند اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی) یک برنامه جامع و مشخص تدوین شود و پس از تصویب در سازمان امور اجتماعی و شورای اجتماعی کشور، اعتبار دقیقاً برای همان برنامه در نظر گرفته شود. این امر از موازی‌کاری جلوگیری کرده و تمرکز منابع را بر نتایج تضمین می‌کند. تغییر سازوکار تخصیص و پیش‌بینی مستقیم اعتبارات در ردیف دستگاه‌های مجری: پیشنهاد می‌شود اعتبارات برنامه‌های فوق‌العاده به جای تجمیع در ردیف وزارت کشور (سازمان امور اجتماعی)، مستقیماً در ردیف بودجه دستگاه‌های مجری پیش‌بینی و درج شود. این اقدام شفافیت بودجه‌ای را به شدت افزایش داده و پاسخ‌گویی دستگاه‌ها را در قبال هزینه کرد منابع ممکن می‌کند.



گزارش

چرا ارز صادراتی به کشور بازنمی‌گردد؟

۷ عامل مؤثر در انباشت تعهدات ارزی

در بررسی دلایل عدم ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان، هفت عامل از جمله تغییر مقررات صدور کارت بازرگانی، سوءاستفاده از کارت‌های اجاره‌ای، چندنرخی بودن ارز و تعیین تکلیف نشدن بدهی‌های ارزی از سال ۱۳۹۷ تاکنون شناسایی شده است. در این بررسی همچنین راهکارهایی برای جلوگیری از تکرار این مشکلات، تعیین تکلیف تعهدات معوق و کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی مرتبط ارائه شده است.

بازگشت ارز حاصل از صادرات و تعیین تکلیف تعهدات ارزی معوق، همچنان با چالش‌هایی در حوزه صدور و نظارت بر کارت‌های بازرگانی، مقررات ارزی و فرآیندهای اجرایی و قضایی روبه‌روست. بررسی عوامل شکل‌گیری و تشدید این تعهدات نشان می‌دهد که در کنار سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای تغییرات مکرر مقررات، تفاوت نرخ ارز در بازار رسمی و آزاد و تعیین تکلیف نشدن بدهی‌های سنوات گذشته نیز در تداوم این وضعیت مؤثر بوده‌اند مسائلی که برای رفع آنها مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی و قضایی پیشنهاد شده است.

تغییر مقررات صدور کارت بازرگانی، گسترش کارت‌های اجاره‌ای، چندنرخی بودن ارز و تعیین تکلیف نشدن بدهی‌های سنواتی از سال ۱۳۹۷، از جمله عوامل مؤثر در انباشت تعهدات ارزی صادرکنندگان است؛ مشکلاتی که در کنار چالش‌های نظارتی و اجرایی، رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با عدم بازگشت ارز صادراتی را نیز با کندی مواجه کرده است.

بررسی دلایل شکل‌گیری و تشدید تعهدات ارزی منقضی شده در حوزه صادرکنندگان و دارندگان کارت‌های بازرگانی نشان می‌دهد که ضعف در احراز صلاحیت متقاضیان، سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، نبود ضمانت‌نامه متناسب با میزان صادرات، تغییرات مکرر مقررات بازگشت ارز و مشکلات مربوط به تسویه تعهدات ارزی سنوات گذشته، از مهم‌ترین عوامل بروز این وضعیت به شمار می‌روند.

در کنار این مسائل، محدودیت ظرفیت رسیدگی در مراجع قضایی، ضعف تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها، مشکلات اجرای نیابت‌های قضایی و تمرکز پرونده‌ها در حوزه قضایی تهران نیز از جمله موانع تسریع در رسیدگی به پرونده‌های عدم رفع تعهدات ارزی حاصل از صادرات است.

مهم‌ترین دلایل عدم ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان

تغییر قوانین و مقررات صدور کارت بازرگانی و سوءاستفاده از این کارت‌ها

تغییر قوانین و مقررات مرتبط با صدور کارت بازرگانی در راستای اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، از جمله عواملی بوده که زمینه سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی را فراهم کرده است. تسهیل فرآیند صدور کارت بازرگانی بدون تقویت هم‌زمان سازوکارهای احراز صلاحیت، اعتبارسنجی و نظارت پسینی، زمینه ورود اشخاص فاقد اهلیت یا توان واقعی فعالیت تجاری را افزایش داده است. درنتیجه، کاهش موانع صدور مجوز در برخی موارد با افزایش امکان صدور یا بهره‌برداری ابزاری از کارت‌های بازرگانی و گسترش کارت‌های یک‌بارمصرف یا اجاره‌ای همراه شده است.

سوءاستفاده افراد سودجو از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای

یکی دیگر از دلایل عدم ایفای تعهدات ارزی، سوءاستفاده افراد سودجو از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای با بهره‌گیری از وضعیت معیشتی نامناسب برخی افراد جامعه و جهل و ناآگاهی آنان نسبت به قوانین و مقررات بازدارنده، از جمله ماده ۳۳ مکرر ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. برخی افراد سودجو با بهره‌گیری از شرایط اقتصادی و ناآگاهی اشخاص نسبت به مسئولیت‌های قانونی ناشی از واگذاری کارت بازرگانی، از هویت و کارت آنان برای انجام فعالیت‌های تجاری سوءاستفاده می‌کنند. این موضوع ضمن انتقال مسئولیت‌های مالیاتی، ارزی و حقوقی به صاحبان اسمی کارت، شناسایی ذی‌نفع واقعی فعالیت تجاری و اعمال نظارت مؤثر را با دشواری مواجه می‌سازد.

عدم تشکیل به‌موقع و مؤثر کارگروه بررسی سوءرفتار دارندگان کارت‌های بازرگانی

عدم تشکیل به‌موقع و مؤثر کارگروه موضوع بند (۷) ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات برای بررسی گزارش‌های مربوط به سوءرفتار دارندگان کارت‌های بازرگانی، از دیگر عوامل مؤثر در بروز این مشکلات است.

تأخیر یا عدم استمرار در تشکیل این کارگروه، موجب کندی بررسی تخلفات و اتخاذ تصمیم درباره دارندگان کارت‌های بازرگانی دارای رفتار پرریسک یا مشکوک می‌شود.

همچنین ضعف در عملکرد این سازوکار نظارتی می‌تواند زمینه استمرار فعالیت کارت‌های مسئله‌دار و افزایش مخاطرات ناشی از سوءاستفاده از آنها را فراهم سازد.

فقدان مقررات مرتبط با اخذ ضمانت‌نامه صادرات برای تضمین بازگشت ارز

فقدان مقررات مرتبط با اخذ ضمانت‌نامه صادرات که متضمن بازگشت ارز حاصل از صادرات باشد، یکی دیگر از دلایل مطرح در زمینه عدم ایفای تعهدات ارزی است.

نبود سازوکار قانونی مؤثر برای اخذ تضمین متناسب از صادرکنندگان، امکان اطمینان از ایفای تعهدات ارزی و بازگشت ارز حاصل از صادرات را کاهش داده است.

این خلأ مقرراتی، ابزارهای پیشگیرانه و تضمینی دستگاه‌های مسئول را محدود کرده و موجب انتقال تمرکز نظارتی از اقدامات پیشگیرانه به پیگیری‌های پسینی شده است.

چندنرخی بودن ارز و تفاوت نرخ ارز در بازار رسمی و آزاد

چندنرخی بودن ارز و وجود تفاوت میان نرخ ارز در بازار رسمی و بازار آزاد، از دیگر عوامل مؤثر در عدم ایفای تعهدات ارزی است. وجود شکاف قابل توجه میان نرخ‌های رسمی و آزاد ارز، موجب ایجاد انگیزه‌های اقتصادی برای انجام معاملات خارج از سازوکارهای رسمی و شکل‌گیری رفتارهای سوداگرانه شده است.

این وضعیت ضمن کاهش شفافیت در مبادلات ارزی، می‌تواند اثربخشی سیاست‌های مرتبط با رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

زمان‌بر بودن فرآیند صادرات و تغییر مکرر مقررات بازگشت ارز توسط بانک مرکزی

طولانی بودن فرآیندهای اداری صادرات و تغییرات مکرر در ضوابط و روش‌های رفع تعهد ارزی، از دیگر دلایل بروز مشکلات در بازگشت ارز صادراتی است. این عوامل موجب افزایش عدم قطعیت و هزینه‌های فعالیت برای صادرکنندگان شده است.

همچنین نبود ثبات مقرراتی می‌تواند برنامه‌ریزی بلندمدت فعالان اقتصادی را مختل کرده و زمینه بروز اختلاف میان صادرکنندگان و دستگاه‌های اجرایی را فراهم کند.

تعیین تکلیف نشدن بدهی‌های انباشته‌شده از سال ۱۳۹۷ تاکنون

عدم اقدام مؤثر بانک مرکزی برای تعیین تکلیف بدهی‌های انباشته‌شده از سال ۱۳۹۷ تاکنون، از جمله بستن درگاه مصالحه ریالی برای صادرکنندگان مرزنشین، از دیگر عوامل مؤثر در استمرار مشکلات تعهدات ارزی است. عدم اتخاذ راهکار مؤثر برای تعیین تکلیف تعهدات ارزی سنوات گذشته، موجب انباشت پرونده‌ها و استمرار بلاتکلیفی بخشی از صادرکنندگان شده است.

همچنین محدود شدن برخی روش‌های تسویه و مصالحه، بدون پیش‌بینی سازوکار جایگزین مؤثر، می‌تواند روند وصول مطالبات ارزی و ساماندهی بدهی‌های انباشته را با دشواری بیشتری مواجه سازد.

ضعف در کیفیت و یکپارچگی اطلاعات مورد نیاز برای رسیدگی

ناقص یا نادرست بودن اطلاعات هویتی و ارتباطی متعهدان و مدیران شرکت‌ها، همراه با نبود تبادل یکپارچه اطلاعات میان بانک مرکزی، گمرک، وزارت صمت، سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی و سایر دستگاه‌های مرتبط، شناسایی متعهد و ذی‌نفع واقعی را با تأخیر مواجه کرده است.

این مسئله روند دسترسی مراجع قضایی به اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی اشخاص مسئول و بررسی ابعاد پرونده‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

راهکارهای پیشنهادی برای جلوگیری از عدم ایفای تعهدات ارزی

برای اصلاح فرآیند صدور و نظارت بر کارت‌های بازرگانی، جلوگیری از سوءاستفاده از این کارت‌ها و تعیین تکلیف تعهدات ارزی صادرکنندگان، راهکارهای متعددی مطرح شده است.

تشکیل کارگروه بررسی سوءرفتار تجاری دارندگان کارت‌های بازرگانی

وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان توسعه تجارت ایران باید مطابق بند (۷) ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، نسبت به تشکیل کارگروه سوءرفتار تجاری دارندگان کارت‌های بازرگانی و بررسی رفتار این افراد تسریع کنند. همچنین در صورت لزوم، باید نسبت به تعلیق کارت‌های بازرگانی دارای تعهدات سررسیدشده و معوق ارزی و کارت‌های مشکوک به اجاره‌ای بودن اقدام شود.

جلوگیری از صدور وکالت‌نامه‌های سوءاستفاده‌آمیز برای استفاده از کارت بازرگانی

یکی دیگر از راهکارهای مطرح‌شده، اقدام وزارت صمت برای درخواست ممنوعیت صدور وکالت تام در استفاده از کارت بازرگانی و همچنین ممنوعیت صدور وکالت‌نامه‌های جزئی به نام اشخاص مختلف یا یک فرد، با هدف تجزیه امور مربوط به کارت بازرگانی و دور زدن قانون است. بر این اساس، وزارت صمت باید این موضوع را به مراجع ذی‌صلاح اعلام و پیگیری کند تا از هرگونه سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی پیشگیری شود؛ به‌نحوی که این اقدام متضمن اصلاح الگوی رفتاری دارندگان کارت‌های بازرگانی باشد.

اخذ ضمانت‌نامه معتبر از دارندگان کارت‌های بازرگانی برای نخستین بار

اخذ ضمانت‌نامه معتبر از دارندگان کارت‌های بازرگانی برای نخستین بار (کارت اولی‌ها) نیز از دیگر راهکارهای مطرح‌شده است. بر این اساس، باید با الزام به ارائه ضمانت‌نامه معتبر، سقف صادرات این افراد در قبال تضمین بازگشت ارز حاصل از صادرات تعیین شود.

اهلیت‌سنجی و پایش مستمر دارندگان کارت‌های بازرگانی توسط اتاق بازرگانی

هیات رئیسه اتاق بازرگانی نیز باید ضمن اهلیت‌سنجی متقاضیان کارت عضویت از طریق اصلاح آیین‌نامه جاری، مشخصات دارندگان کارت بازرگانی و شرایط عضویت آنان را به‌طور مستمر پایش و رصد کند.

> **طولانی بودن فرآیندهای اداری صادرات و تغییرات مکرر در ضوابط و روش‌های رفع تعهد ارزی، از دیگر دلایل بروز مشکلات در بازگشت ارز صادراتی است. این عوامل موجب افزایش عدم قطعیت و هزینه‌های فعالیت برای صادرکنندگان شده است**

نامه ۱۰ تشکل واردکننده به پزشکیان:

به چرخه باطل پرداخت مطالبات پایان دهید

۱۰ تشکل واردکننده کالای اساسی در نامه به رئیس جمهور خواستار پایان دادن به چرخه باطل پرداخت مطالبات ارزی ۴ میلیارد یورویی شدند.

جمعی از انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی فعال در حوزه تأمین و واردات کالاهای اساسی، در نامه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، نسبت به تداوم بلاتکلیفی مطالبات ارزی واردکنندگان و بازگشت پرونده تسویه این مطالبات به چرخه بررسی‌های مجدد انتقاد کردند.

امضاکنندگان این نامه با اشاره به فعالیت بیش از هزار شرکت و صدها هزار نیروی انسانی در زنجیره تأمین کالاهای اساسی، اعلام کردند که با وجود بیش از ۲۰ ماه پیگیری و انجام بررسی‌های کارشناسی و اخذ تأییدیه دستگاه‌های مسئول، هنوز مطالبات ارزی شرکت‌ها تعیین تکلیف نشده است.

واردکنندگان در این نامه با تاکید بر اینکه تاوان اختلاف بین دستگاه‌های دولتی را نباید بخش خصوصی بدهد، موکول شدن آغاز پرداخت به بررسی‌های مجدد را موجب اختلال در روند تأمین امنیت غذایی اعلام کردند. این تشکل‌ها در سه درخواست مشخص، خواستار پرداخت حداقل ۸۰ درصد مطالبات به‌صورت علی‌الحساب، توقف بازپرداخت اصل و سود تسهیلات ارزی و جرائم بانکی تا زمان تسویه مطالبات و تعیین تکلیف باقی‌مانده بدهی دولت از طریق انتشار اوراق مالی اسلامی ارزی شدند.

متن این مکاتبه به شرح زیر است؛

همان‌طور که مستحضرید، یکی از اساسی‌ترین الزامات حکمرانی مطلوب، پایبندی تمامی ارکان دولت به مصوبات و تصمیمات رسمی هیات وزیران است. متأسفانه در موضوع مطالبات ارزی معوق واردکنندگان کالاهای اساسی (شامل بیش از ۱۰۰۰ شرکت دارای صدها هزار نیروی انسانی)، علی‌رغم بیش از ۲۰ ماه پیگیری، انجام بررسی‌های کارشناسی، احصای مطالبات و تأیید دستگاه‌های مسئول، همچنان شاهد رفتارهای متناقض، تعویق در اجرای تصمیمات و بازگشت مجدد موضوع به فرآیندهای تکراری و فرسایشی هستیم؛ چرخه باطلی که علاوه بر تحمیل خسارات سنگین به بخش خصوصی، اعتماد فعالان اقتصادی به تعهدات دولت را به شدت ضعیف کرده است.

در حالی که هیات وزیران طی تبصره ۲ ماده ۴ مصوبه تضمین امنیت غذایی (شماره ۱۷۲۰۷۶/ت ۶۵۲۳۶ هـ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۰) سازوکار احصا و تسویه مطالبات را مشخص نموده و پس از ماه‌ها پیگیری، بررسی‌های لازم انجام و تأییدیه‌های رسمی از جمله نامه‌های شماره ۲۳۲۷۲۲/۸۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ (راهکار تسویه مطالبات) و شماره ۱۳۴۹۱/۸۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ (فهرست مطالبات به تفکیک شرکت، کوتاژ و...) وزارت امور اقتصادی و دارایی و نامه شماره ۲۴۲۰۹/م ۱۶۲۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ (تأییدیه معاونت حقوقی رئیس جمهور) و نهایتاً نامه شماره ۲۷۱۸۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ معاون اول جنابعالی با عنوان دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی سران قوا صادر شده و موضوع برای اخذ مصوبه سران قوا و استجازه از مقام معظم رهبری به دبیرخانه محترم سران قوا ارجاع گردیده است.

از سوی دیگر، سازمان برنامه و بودجه طی نامه شماره ۹۹۲۸۱۶/۱۸/م مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ صراحتاً اعلام نموده مطالبات ارزی معوق مذکور ماهیت فرابودجه‌ای داشته و مشمول حسابرسی موضوع بند «ب» ماده ۲۴ قانون برنامه هفتم توسعه نمی‌باشد. با این وجود، چگونه در جلسه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۷ هیات وزیران (ابلاغیه شماره ۱۰۰۷۱۰/۶۶۲۵۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ دبیرهیات دولت)، مجدداً تمامی بررسی‌ها و تأییدیه‌های قبلی کنار گذاشته شده و پرونده‌ای که ماه‌ها در مسیر کارشناسی و تصمیم‌گیری بوده، به چرخه بررسی‌های مجدد بازگشته است؟

آیا بخش خصوصی باید تاوان ناهماهنگی و اختلاف نظر دستگاه‌های اجرایی را بپردازد؟ حتی اگر برخلاف مستندات و نظر مراجع حقوقی، مطالبات مذکور مشمول حسابرسی فرض شوند، هیچ‌یک از شرکت‌ها با انجام حسابرسی و بررسی‌های قانونی و مالی مخالفتی ندارند؛ مشروط بر آنکه حداقل ۸۰ درصد مطالبات هر شرکت بدون انتظار برای اتمام حسابرسی پرداخت و صرفاً ۲۰ درصد باقیمانده پس از تکمیل فرآیند حسابرسی تعیین تکلیف شود. پس از گذشت ۲۲ ماه از آغاز پیگیری مطالبات، موکول کردن کل پرداخت‌ها به حسابرسی‌های جدید و نامعلوم، عملاً غیرقابل تحمل است. اگر قرار باشد پس از این مدت تازه فرآیند حسابرسی آغاز شود، دیگر رمق و توان اقتصادی بسیاری از شرکت‌ها برای ادامه فعالیت باقی نخواهد ماند.

لذا حسابرسی نباید به ابزاری برای تعویق مجدد ایفای تعهدات دولت تبدیل شود.

بخش خصوصی به عنوان سرباز اقتصادی کشور، در سخت‌ترین شرایط و حتی در دوران جنگ، مسئولیت تأمین کالاهای اساسی را بر عهده داشته است؛ اما امروز زیر فشار هم‌زمان بدهی‌های خارجی، مطالبات وصول نشده و تعهدات بانکی، با شرایطی بحرانی مواجه است. نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار ایفای کامل تعهدات را داشت، اما در مقابل، تعهدات دولت را ماه‌ها و سال‌ها به تعویق انداخت و با تصمیمات متناقض، اعتماد متقابل را از بین برد. لذا درخواست‌های بخش خصوصی به شرح زیر جهت صدور دستور اقدام فوری تقدیم می‌گردد:

۱- اجرای دستور پرداخت ۵۰ درصد مطالبات:

مطابق دستور قبلی جنابعالی، حداقل ۵۰ درصد مطالبات ارزی معوق بخش خصوصی به صورت علی‌الحساب و از طریق پرداخت نقدی، گواهی سپرده نفتی و سایر روش‌های قابل اجرا، در اسرع وقت پرداخت شود. این درخواست مطالبه جدیدی نیست، بلکه انتظار اجرای دستور صادرشده از سوی جنابعالی است که تاکنون عملیاتی نشده است.

۲- توقف مطالبات بانک‌ها تا زمان تسویه مطالبات:

با توجه به اینکه بخش خصوصی بیش از ۴ میلیارد یورو مطالبات ارزی از دولت دارد و در مقابل کمتر از ۱ میلیارد یورو تسهیلات ارزی به بانک‌ها بدهکار است، مطابق پیشنهاد معاون اول جنابعالی به سران قوا، دستور فرمایید تا زمان تسویه مطالبات، پرداخت اصل، سود و جرائم این تسهیلات متوقف (فریز) شده و از اقدامات قهری بانک‌ها علیه شرکت‌های واردکننده جلوگیری شود.



۳- تعیین تکلیف قطعی مطالبات از طریق ابزارهای مالی:

شرکت‌های دارای مطالبات، آمادگی دارند تأییدیه حسابدار رسمی معتبر مورد تأیید سازمان حسابرسی را نیز ارائه نمایند. پیشنهاد می‌شود دولت مطالبات را تا سقف مبالغ مورد تأیید حسابرس، در قالب اوراق مالی اسلامی ارزی با قابلیت تنزیل و خرید و فروش و سررسید ۶ ماهه تا یک ساله تسویه نماید. بدیهی است این فرآیند باید با زمان‌بندی مشخص انجام شود و بهانه‌ای برای تعویق بیشتر پرداخت‌ها نباشد.

در پایان تأکید می‌گردد کالاهای مورد بحث با مجوز وزارت جهاد کشاورزی و براساس نیاز اعلامی دولت وارد کشور شده‌اند و عدم پیش‌بینی منابع ارزی کافی از سوی دولت، به هیچ عنوان نمی‌تواند به معنای واردات بیش از نیاز یا قصور واردکنندگان تلقی شود.

ادامه این وضعیت، علاوه بر خسارات سنگین مالی و از دست رفتن اعتبار تجاری کشور نزد تأمین‌کنندگان خارجی، موجب نابودی اعتماد و انگیزه بخش خصوصی برای مشارکت در تأمین کالاهای اساسی خواهد شد. بیش از هزار شرکت و چند صد هزار نفر نیروی انسانی در این زنجیره فعالیت دارند و تبعات اقتصادی و اجتماعی تداوم این شرایط، قطعاً محدود به چند شرکت نخواهد بود.

بخش خصوصی نمی‌تواند هم‌زمان هزینه تأمین کالا، بدهی‌های خارجی، تعهدات بانکی و تأخیر دولت در ایفای تعهداتش را به‌تنهایی بر دوش بکشد. دولت باید به این چرخه فرسایشی پایان دهد؛ چراکه با فرسوده شدن و از میدان خارج شدن بخش خصوصی، اعتماد و ظرفیتی که سال‌ها برای تأمین کالاهای اساسی کشور شکل گرفته است نیز از دست خواهد رفت.

انتظار می‌رود جنابعالی با صدور دستور قاطع، ضمن جلوگیری از تصمیمات متناقض و فرآیندهای تکراری، دستگاه‌های ذی‌ربط را به اجرای تعهدات دولت و تعیین تکلیف فوری مطالبات در یک مهلت زمانی مشخص مکلف فرمایید.